

خامنه‌ای مورد سرزنش شدید خمینی قرار گرفت

* خمینی در حمله شدیدی به رئیس جمهور خود، اورابه "عدم شناخت از ولایت مطلقه الهی" متهم کرد

مضای حضور تمام عیار در مناقشاتی است که سرایای حکومت را در بر گرفته است. و درست بهمین دلیل خود اعتراف کرد که: "من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود و عقیده دارم که در این مواقع، سکوت بهترین طریقه است." حدت مسائل مطروحه و تقابل درون حکومتی، حربه سکوت بهترین طریقه را از دست ولی فقیه گرفت و خود را به میدان همین "مناقشات" نهاد.

شامه خامنه‌ای به خمینی در واقعیت امر ریزده دوم ماچرا بود، پیش از آن حادثی به وقوع پیوسته بود که در روشتر شدن قضیه کمک می‌کند. محور اصلی جنگ در خصوص میزبان اختیارات دولت است و اختلاف بر سر این "اختیارات" گر چه سابقه‌ای طولانی دارد، اما می‌توان گفت که کشمکش جدید بقیه در صفحه ۲

جنگ و تقابل و "مناقشات" درون حکومتی که مدتی است وارد مرحله جدیدی شده است، با پاسخ خمینی به نامه صافی دبیر شورای نگهبان و پاسخ شدید اللحن خمینی به رئیس جمهور، فراز جدیدی یافت. خمینی با شکستن "سکوت" خود، باردیگر پا به عرصه "مناقشات" علنی نهاد. حضور علنی و رسمی خمینی در جنگ و تقابل درون حکومتی، از یکسو در "کمال" بخشیدن به مصاف چنانچه موثر افتاد و از سوی دیگر چون منبعی خود افشاگر عیق اختلافات درون حکومتی را متجلی ساخت.

در هفته گذشته خمینی در پاسخ به خامنه‌ای و صافی، مطالبی را عنوان کرد که دقت حول آنها در شناخت و پیش بینی تحولات سیاسی درون حکومتی، ضرورت ویژه‌ای دارد. خمینی خود به خوبی می‌دانست که شکستن سکوت در این "لحظه حساس" به

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۱ دی ۱۳۶۶ - پراپر ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۰

جنگ و بحران خلیج: تحول به کدام سو؟

از هفته اول آذرماه تا هفته نخست دیماه، هر روز به طور متوسط یک نفت کشتی یا کشتی باری غیرنظامی در خلیج فارس هدف بمبارانهای هوایی عراق و یا حملات "قایق‌های تندرو" سپاه پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفت. به گفته رئیس شرکت "اینترنشنال مارین سرویسز" که مقر آن در دبی است و کار آن را کمک رساندن به کشتی‌های آسیب دیده تشکیل می‌دهد، در ماه دسامبر ۱۹۸۷، عراق در هر ۵ روز دوبار و جمهوری اسلامی هر دو روز یکبار به اهداف غیرنظامی در خلیج فارس حمله کرده‌اند. در سال ۱۹۸۷ در مجموع ۱۵۵ کشتی غیرنظامی در خلیج فارس هدف حمله قرار گرفته‌اند از آغاز "جنگ نفت کشتی‌ها" به ۴۲۰ کشتی حمله شده است. این آمار حاکی از آن است که ماه دسامبر ۱۹۸۷، نقطه اوج "جنگ نفت کشتی‌ها" بود. از حیث تلفات و خسارات نیز این ماه صفحه سیاهی را در درگیری‌های خلیج فارس تشکیل می‌دهد. یک موشک اکزوست عراق، نفت کشتی سوئگرو متعلق به ایران را به آتش کشید و ۲۱ ملوان آن در این حادثه کشته شدند. نفت کشتی ۸۵ هزار تنی "نورمان آتلانتیک" در نزدیکی دبی مورد حمله جمهوری اسلامی قرار گرفت و غرق شد. نفت کشتی ۱۰۲ هزار تنی "آریادشه" نیز در همین منطقه به کلی سوخت. "قایق‌های تندرو" سپاه پاسداران در عرض یک روز دوبار به این نفت کشتی حمله کرده بودند. بقیه در صفحه ۳

اعتصاب غذا برای دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران



این اعتصاب غذا از روز جمعه (۱۱ دسامبر ۲۰ آذر) در مرکز شهر مالئو آغاز شد و به مدت ۷ روز ادامه داشت. این حرکت بازتاب گسترده‌ای در مطبوعات بقیه در صفحه ۹

فدائیان خلق در شهر مالئو سوئد بخاطر افشای چفایات رژیم جمهوری اسلامی علیه فرزندان اسیر خلق و برای گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران دست به اعتصاب غذا زدند.

در این شماره

اعتصاب غذای

۴۰ پناهنده ایرانی در فرانسه

در صفحه ۹

اعتراف به ورشکستگی اقتصادی

در صفحه ۵

ارادهٔ خلق فلسطین خلل ناپذیر است

در صفحه آخر

تختی پهلوانی برای همیشه

در صفحه ۶

زحمتکشان ترکمن صحرا، قربانی سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی

صحرا به اهتزاز درآمد. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تهلور درخشان این جنبش بود. رژیم شد دموکراتیک و ضد خلقی جمهوری اسلامی هراسان از شکوفایی روند تشکیل شوراهای اتحادیه‌های مردمی از همان ابتدا به تقابل با خواستهای زحمتکشان برخاست. اودشمنی کین‌توزانه خود را با راه انداختن موج خون در کهنه و گندمزاران ترکمن صحرا به نمایش نهاد. اکنون پس از ۸ سال حاکمیت ارتجاع، ترکمن صحرا چهره دیگری به خود گرفته است. دهقانان، صیادان، زنان، جوانان و دیگر ترکمنان روزهای دشواری را سپری می‌کنند. نظری به ترکمن صحرا گویای این واقعیت دردناک است.

بقیه در صفحه ۷

با سرنگونی رژیم شاه، شکوفه‌های شادی در قلب زحمتکشان ترکمن به لپخند نشست. آنها چهره خجسته‌رهایی را در آیین انقلاب چستند و از همان اولین روزهای طلوع بهمن، تحت رهبری کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - که به ابتکار فدائیان خلق و روشنفکران انقلابی ترکمن صحرا بوجود آمد - نبردها مقامات بهجا مانده از حکومت ستشاهی را ادامه دادند.

زحمتکشان ترکمن دیگر نمی‌خواستند زیر بار ستم طبقاتی و ملی بروند. آنها نمی‌خواستند به فئودالها، زمینداران و چیره‌خواران حکومتی اجازه دهند زمین‌هایشان را غصب کنند و حقویشان را نکمال شمایند. به این علت بود که هرچم جنبش شورایی در شهرها و روستاهای ترکمن

خامنه‌ای مورد سرزنش شدید خمینی قرار گرفت

بقیه از صفحه اول

"درمواجهه و مقاطع لازم در مورد نکته حساسی که ممکن است جمل و تفرد، در جامعه بوجود بیاورد و مردم را متشعب کرده، فتنه ایجاد کند، رهبری باید پدید آمد مردم، انقلاب، جامعه و اسلام برسد."

این است تاپلوی واقعی مناقشات درون حکومتی، خود افشاگری رژیم اینبار نیز برده را برانداخت تا مردم به وضوح بر تعقی تغلیط شده بارگاه خلافت نظری بیافکنند. پدیده‌ای است که موقعیت خامنه‌ای شدت لطمه دیده است و این خود می‌تواند بر آتش جنگ و کشتی درون حکومتی فروزانی بخشد. اصل دعوا بر سر اقتصاد است. بنابه فتوای صادره خمینی و نامه‌های توضیحی آن، بحث بر سر این است که دولت اسلامی، بخشی از حکومت اسلامی است و حکومت اسلامی شعبه‌ای از "ولایت مطلقه نبی اکرم" و این دولت اسلامی درگیر جنگ است. درگیر بحران اقتصادی است، یا خطر توفان توده‌ای مواجه است. این حکومت برای تأمین هزینه‌های خود احتیاج به ریال و دلار دارد، و این احتیاج الزام است، حتی تا حد زیر شرب بردن احکام اسلامی و یا ارائه تفاسیر جدید از آن، دولت برای حفظ بارگاه و برج و باروی خود حکومت نیاز به پول دارد. اما صاحبان رسالت از بازار و فقه سنتی، حاضر به تأمین آن نیستند. طرفداران دولت، حریف را به صرف نظر کردن از بخشی از سوده‌های نجومی برای حفظ دراز مدت آن فرامی‌خوانند اما طرفداران غارت لجام گسیخته زحمتکش، حلوائ نقد را چسبیده‌اند.

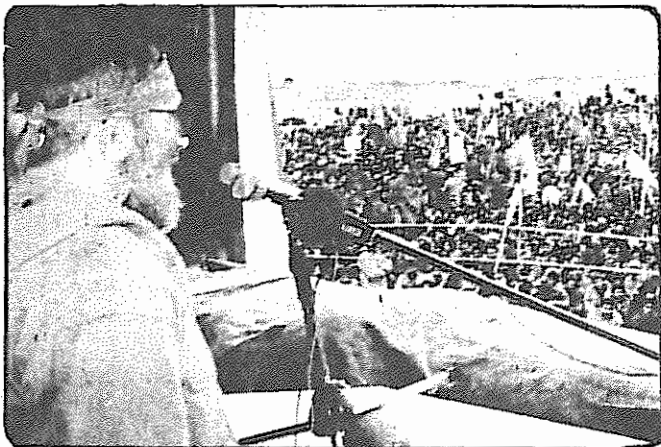
جميع احکام فرعيه الهی تقدم دارد، صحيح شمی‌دانید و اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیه الهی است باید، حکومت الهی ولایت مطلقه نبی اسلام یک پدیده بی‌معنی و بی‌محتوی باشد. اختیارات دولت (که) بنابه تفسیر شما خارج است... باید عرض کنم که یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است... آنچه که تا کنون گفته شده است (منظور تفسیر خامنه‌ای است) ناشی از عدم شناخت از ولایت مطلقه الهی است. شایعه است که مزارعه و اجاره و امثال اینها با این اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم فرضاً که چنین باشد، این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است که مزاحمت نمی‌کنم. خداوند چنان‌بالی... را در پناه خود حفظ فرماید. (رادیوی دولتی ۱۷ دیماه)

بدین ترتیب خامنه‌ای که مخالفین خود - موافقین اختیارات وسیع دولت اسلامی - را به سوء استفاده‌چی و کسانی که به اصول فقهی اسلام آشنائی ندارند، متهم می‌کرد، از جانب خمینی القاب مشابهی دریافت کرد. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس نیز موقعیت را تشخیص داده و در جلسه علنی روز بعد مجلس با استفاده از سخنان خمینی، تلویحاً به خامنه‌ای حمله کرد. رفسنجانی صراحتاً گفت: "دیگر در آینده به خودمان حق ندهیم که با طرح عناوین مبهم و متشابه چیزهایی از خودمان به اسلام تحمیل بکنیم." وی که تلویحاً جناح مقابل را انشعاب طلب و فتنه‌گر نامید، گفت:

با شرط‌انزای این امر اجرا کند. بدین ترتیب نه تنها موجبات تکرانی جناح مخالف اختیارات وسیع دولت برطرف نشد، بلکه خمینی فتوای صادره را مجدداً مورد تأکید قرار داد. بدینال پاسخ خمینی به دبیر شورای نگهبان، "مناقشات" درون حکومتی تشدید شد و کار به آنجا کشید که خامنه‌ای خطبه اول نماز جمعه (۱۱ دیماه) تهران را به مسئله حدود اختیارات "دولت اسلامی" اختصاص داد. خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه به تفسیر فتوای صادره خمینی می‌پردازد و مطرح می‌کند که اختیارات دولت در حد "کنترل و نظارت و مراقبت" بوده است و نه بیش از آن، خامنه‌ای کسانی را که از فتوای صادره خمینی، اختیاراتی بیش از "کنترل و نظارت و مراقبت" برای دولت قائل می‌شدند را، سوء استفاده‌چی و شایعه‌پراکن می‌نامد. وی در همین نماز جمعه تصریح می‌کند: "اینها شایعاتی است که آدمهای مغرضی مطرح می‌کنند. امام که فرمودند دولت می‌تواند شرط الزامی پرورش کارفرما بگذارد این هر شرطی نیست. آن شرطی است که در چارچوب احکام پذیرفته شده اسلام است و نه فراتر از آن. این بسیار نکته مهمی است در پاسخ حضرت امام که چون سؤال کشنده، سؤال می‌کند برخی این طور از فرمایشهای شما استنباط کرده‌اند که می‌شود قوانین اجاره، مضاربه، احکام شرعی و فتاوی پذیرفته شده مسلم را نقض کرد و دولت می‌تواند برخلاف احکام اسلامی شرط بگذارد، امام می‌فرمایند نه، این شایعه است." (کیهان هوایی ۱۶ دیماه)

درون حکومتی بر اختیارات دولت به نام تدبیر اللحن خمینی - تا این لحظه - ختم می‌شود، در "یرونده" خود، نامه دبیر شورای نگهبان، سخنان خامنه‌ای در خطبه نخست نماز جمعه (۱۱ دیماه) تهران و نامه خامنه‌ای به خمینی را شامل می‌گردد. در نامه صافی دبیر شورای نگهبان به خمینی تصریح شده است که فتوای خمینی درباره حدود اختیارات دولت که در پاسخ به پرسش وزیر کار صادر شده بود، "موجبات تکرانی" عده‌ای را فراهم ساخته است. در نامه آمده است: "از فتوای صادره از ناحیه حضرتعالی که دولت می‌تواند در ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی و عمومی شروط الزامی مقرر نماید بطور وسیع بعضی اشخاص استظهار نموده‌اند که دولت می‌تواند هر گونه "نظام اجتماعی"، "اقتصادی"، "کار"، "بازرگانی"، "امور شهری"، "کشاورزی" و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلی و مستقیم اسلام قرار دهد و افعال و تروک مباحه شرعیه را تحریم یا الزام نماید... موجب این تکرانی شده است که نظامات اسلام از "مزارعه"، "اجاره"، "تجارت" و سایر روابط بتدریج عملاً منع و درجخلر تعویض و تغییر قرار بگیرد." (کیهان ۲ دیماه)

چنانکه مشهود است صافی دبیر شورای نگهبان با زیرکی مطرح کرده است صادره خمینی موجبات تکرانی را فراهم ساخته و می‌تواند بمثابه حربه‌ای علیه "نظامات اصلی" اسلام مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. خمینی در پاسخ به نامه صافی بطور سرپسته نه تنها از مضمون "فتوای صادره" دفاع کرد، بلکه مخالفین "فتوای صادره" را "استفاده جویان بی‌پندوبار" که شایعه پراکنی می‌کنند، خطاب نمود. خمینی در پاسخ نامه دبیر شورای نگهبان، تصریح کرد: "دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم (بخش خصوصی) استفاده از امکانات و خدمات دولتی می‌کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد. بلکه در انفال که در زمان حکومت اسلامی، امرش با حکومت است، می‌تواند بدون شرط یا

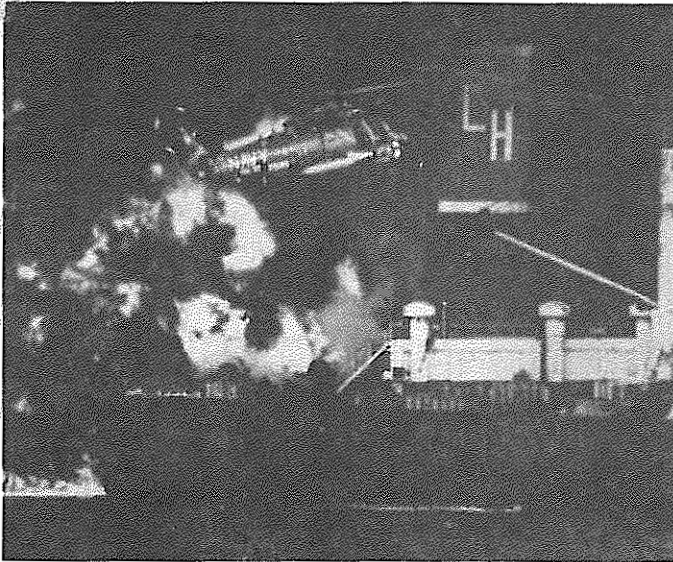


خامنه‌ای با سرپند "یاحسین" در یکی از سفرهایش برای بسیج چانی و مالی

جنگ و بحران خلیج:

تحول به کدام سو؟

بقیه از صفحه اول



نفت کش عظیم قبرسی "پیروت" پس از حمله "قایق های" توپدار" جمهوری اسلامی

امتیاز" معلوم شود و رژیم خمینی به عنوان مسئول اصلی و عامل عمده ادامه جنگ، از میان کشتی ها و چاره جویی های داخلی، در برابر درماندگی فعلی خود واکنش نشان دهد. هنوز زود است که بتوانیم اخبار هفته گذشته را نقطه عطف جدیدی در تحولات جنگ پس از تشدید جنگ نفت کش ها در آذرماه بدانیم. تاریخ بیش از هفت ساله جنگ از این مقاطع توقف زیاده به خود دیده است، ضمن آنکه باید بیاوریم اعمال فشار رژیم برای بسیج هر چه بیشتر نیرو و کشتان انسانها به مسلخ کماکان ادامه دارد و رویدادهایی نظیر حمله هوایی عراق به پالایشگاه تبریز در روز جمعه ۱۸ دی ماه نیز نشان می دهد شیخ سنگین جنگ همچنان بر فراز دواکتور است.

در منطقه با شرکت امیرنشین های عربی و مصرو با حمایت و کمک مستقیم نظامی ایالات متحده است. آینده نشان خواهد داد که تسریع در شکل گیری این یلوک با کاهش حضور مستقیم نظامی آمریکا در منطقه همراه خواهد بود یا نه. در حال حاضر این ناوگان برای آمریکا ماهانه ده ها میلیون دلار هزینه دارد که این خود مانعی جدی در تلاش های دولت ریگان برای کاهش کسری بودجه خود است.

ست و سوی تحول اوضاع در رابطه با جنگ و بحران خلیج فارس، تنها زمانی روشن خواهد شد که از ورای پرده دودی که جنگ نفت کش ها ایجاد کرد، روندها با وضوح بیشتری خود را نشان دهند، سرنوشت "جهاد برای

... طبیعی است که اگر از شورای همکاری خلیج فارس نمایندگانی به کشور ما بیایند، ما آمادگی پذیرایی از آنها را داریم." (کیهان ۹ دی) در روز یکشنبه ۱۳ دی ماه نیز ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی از پیشنهاد مذاکره شورای همکاری خلیج فارس استقبال کرد و آن را "گامی مثبت" خواند. به نوشته روزنامه سعودی "الشرق الاوسط" قرار است ملاقات میان وزرای جمهوری اسلامی و شش کشور عربی خلیج فارس در دمشق صورت پذیرد.

در هفته گذشته فرانک کارلوچی وزیر دفاع آمریکا از کویت، بحرین و عربستان سعودی دیدار کرد. هدف از این دیدار، مطمئن کردن امیرنشین های عربی از ادامه حمایت نظامی ایالات متحده اعلام شد. در حال حاضر در حدود ۲۰ کشتی جنگی آمریکایی در خلیج فارس به سر می برند. همزمان با سفر کارلوچی، مقامات نزدیک به دولت آمریکا در واشنگتن اعلام کردند برای صرفه جویی در هزینه سنگین نگهداری ناوگان آمریکا در خلیج فارس، ناو هلی کوپتر بر اوکیناوا و ژمناوآبوا از منطقه فراخوانده خواهند شد. کارلوچی در منامه پایتخت بحرین تلویحا این خبر را تایید کرد و از "تجدید سازماندهی" ناوگان آمریکا سخن گفت.

ناظران اظهار عقیده کرده اند هدف کارلوچی از سفر به منطقه، زدودن نگرانی های احتمالی کشورهای عربی خلیج فارس در صورت کاهش شمار کشتی های جنگی آمریکا در خلیج و مذاکره درباره نزدیک تر کردن همکاری نظامی با این کشورها بوده است.

در روز شنبه ۱۹ دی ماه، حسنی مبارک رئیس جمهور مصر دیدار خود را از کشورهای منطقه آغاز کرد. وی در جریان این سفر از عربستان سعودی، کویت، امارت متحده عربی، بحرین و عمان دیدار خواهد کرد. مقامات مصری اعلام کرده اند این کشور برای حمایت از امیرنشین های عربی، تسلیحات و تکنولوژی نظامی در اختیار آنها خواهد گذاشت.

سفر کارلوچی و مبارک به منطقه نشانگر آغاز تلاش هایی برای شکل گیری یک بلوک بغدادی نظامی طرفدار آمریکا

برای نخستین بار در سال ۱۹۸۸، در روز یکشنبه ۳ ژانویه (۱۳ دی) کشتی باری "آلکا" که پرچم مالیت را حمل می کند، مورد اصابت یک موشک قرار گرفت. خبرگزاریها به نقل از ناخدا، کشتی گزارش دادند این حمله احتمالا اشتباه نیروی هوایی عراق بوده است. از این حمله که یکلدریم، بیش از دو هفته است که "جنگ نفت کش ها" در خلیج متوقف شده است. در هفته گذشته خبرگزاری های غربی از دمشق و ریاض گزارش دادند که این توقف حملات در خلیج فارس، نتیجه تلاش های دیپلماتیک سوریه و عربستان سعودی است. این گزارش ها حاکی از آن است که منابع سفارت عربستان در دمشق گفته اند ریاض و سایر اعضای شورای همکاری خلیج، توانسته اند عراق را متقاعد کنند حملات هوایی به نفت کش های حامل نفت ایران را متوقف سازد و در مقابل، جمهوری اسلامی با درخواست سوریه برای قطع حملات به کشتی ها موافقت کرده است. همین گزارش ها می افزاید جمهوری اسلامی به درخواست سوریه از انجام یک حمله بزرگ در چیهه بصره در آینده نزدیک چشم پوشیده است. طبق این گزارش ها، دیپلمات های عرب در دمشق گفته اند هدف از این درخواست، ایجاد مهلت و فرصت لازم تا زمان تشکیل اجلاس وزرای خارجه جمهوری اسلامی و شش کشور عربی کرانه خلیج فارس بوده است. در هفته گذشته عبدالجلیل خدام معاون رئیس جمهور و فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه برای آگاه کردن مقامات کشورهای عربی کرانه خلیج فارس از موفقیت دیپلماتیک سوریه، به چند امیرنشین عربی سفر کردند.

پیشنهاد تشکیل اجلاس مشترک وزرای خارجه شورای همکاری خلیج و جمهوری اسلامی، برای نخستین بار در کنفرانس سران کشورهای عربی خلیج فارس در ریاض مطرح شد. پدنبال ارائه این پیشنهاد، موسوی نخست وزیر رژیم در روز ۹ دی ماه در مورد تصمیم شورای همکاری خلیج برای اعزام نماینده ای به ایران برای مذاکره در مورد جنگ گفت: "در این زمینه گفتگو هایی انجام گرفته و پیمان هایی داده شده است.



پیکرهای ازهم دریده سربازان ایرانی پس از یک بمباران هوایی. هقیان چنایتکار اگر امکان بیایند باز هم از این صحنه ها خواهند آفرید. عکس را یکی از رفقای فدایی از چیهه بر ایمان ارسال داشته است.

بازرسی سراسری



مبادی ورودی و خروجی شهرها... یکایک مسافرین باید به سئوالات آنان پاسخ بدهند، چند سال دارند. مبادی و مقصدشان کجاست، شغل و تحصیلاتشان چیست، محل سکونتشان کجاست والی آخر. همه این سئوالات با این بیان که برای برشامه ریوی و رفع مشکلات حمل و نقل و ترابری ضروری است، صورت می گیرد. عکس فوق صفحه ای از جاده های کشور و فعالیت مامورین در این زمینه را نشان می دهد.

هدف، آمارگیری حمل و نقل جاده ای اعلام شده است. اتوبوس، مینی بوس، کامیون، سواری، شخصی و هر وسیله نقلیه ای که در جاده های سراسر کشور در حال تردد است، بایستی بلافاصله با دیدن ماموران "آمارگیر" توقف کند و به پرسشهای آنان پاسخ دهد.

مامورین در فواصل مختلف جاده ها توزیع شده اند. در پمپ بنزینها، ایستگاههای پلیس راه،

منتظری: دوپاسه فقر مخالف اگر به مجلس پروند ضروری برای نظام ندارد

برخی نمایندگان مجلس مطرح کرده است که پاسخ وی برای وزارت کشور لازم الاجراست. محتشمی اضافه کرد: طبق آئین نامه، ثبت نام از روز ۱۹ اسفند آغاز می شود و اطلبان نمایندگان مجلس در مدت یک هفته از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات توسط وزارت کشور بایستی به فرمانداریها و بخشداریهها مراجعه کرده و با پرکردن پرسشنامه اعلام داوطلبی بکنند. بنابه اظهارات محتشمی، داوطلبان باید یک ماه پیش از ثبت نام از شغل خود استعفا بدهند. آخرین مهلت برای استعفا "اثنه جمعه" سراسر کشور تا روز ۱۹ آذرماه بود.

وزیر کشور در ادامه سخنان خود افزود: همزمان با انتخابات مجلس، انتخابات میان دوره ای مجلس خبرگان در استانهای اصفهان، خراسان اینلام و خوزستان نیز برگزار می شود. رحمانی، مسئول بسیج پاسداران، به عنوان مسئول هیات مرکزی بازرسی تعیین شده است.

بنا بر آئین نامه وزارت کشور و دستور العمل خمینی فعالیت تبلیغاتی تا پایان ثبت نام و اعلام نظر شورای نگهبان و وزارت کشور ممنوع است. اما ازم اکنون فعالیت های تبلیغاتی تحت پوشش برگزاری سمینار و غیره آغاز شده است. نماینده این سمینارها گفت: "گروه ها و سازمانهایی که قصد تبلیغ برای کاندیداهای خود را دارند به بهانه برگزاری سمینار و یا سخنرانی و پادعوت از افراد شناخته شده در این سمینارها و اجتماعات، سعی در خراب کردن جریان مقابل به صورت پاسخ به سئوالهای پیش ساخته شده باند خود نمایند." ◀

روز جمعه هفته گذشته، منتظری در دیدار با اعضای "شورای نگهبان" و مسئولین هیات نظارت بر انتخابات سومین دوره مجلس اسلامی، طی سخنانی ضمن حمایت از پاسخ خمینی در قبال اظهارات خامنه ای و تاکید بر پیروی همه مسئولین و "مجتهدین" از "ولایت فقیه"، به ایراد مطالبی پیرامون انتخابات پرداخت. وی خطاب به اعضای هیات نظارت بر انتخابات متذکر شد که اگر در انتخابات مجلس "دو پاسه فقر" که موافق نیستند، انتخاب شوند ضرری برای نظام ندارد" و به همین سبب، "اشتقاق" به عنوان "سوزهای برای تبلیغات مخالفین نمی شود". منتظری گفت به افراد و احزابی که به اسلام و رهبری معتقد باشند و قصد سرنگونی رژیم رانداشته باشند اجازه فعالیت انتخاباتی داده شود. از سوی نماینده سبزواری پیشنهاد شده بود که بر شرایط فوق، پیروی کاندیدها از "فقه سنتی و عدم مخالفت با نخست وزیر و دولت مورد تایید خمینی" نیز افزوده شود.

در پی اظهارات منتظری، وزیر کشور با شرکت در مصاحبه ی رادیویی در زمینه فعالیت "انجمن ها" و "احزاب" در انتخابات توضیح داد: همانطور که پارما اعلام شده به هر کس که از نظر نظام و شورای نگهبان تایید شود می توان رای داد. این فرد هر کس که می خواهد باشد. گروه ها، دستجاتی که مورد تایید هستند، سازمانها و انجمن ها و احیانا بعضی از احزاب، مثل بقیه می توانند رای داده فعالیت داشته باشند.

وزیر کشور در مورد آئین نامه انتخابات گفت: یک رشته از موارد را قانون مشخص کرده و یک رشته را خمینی در پاسخ به دبیر خانه ائمه جمعه و

مصاحبه رفسنجانی با گز ارشگر
شبهه تلویزیونی ان.بی.سی آمریکا

مذاکره مستقیم مسئولان جمهوری اسلامی با مقامات آمریکایی، حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس، جنگ ایران و عراق، تولید سلاحهای شیمیایی، و صیتنامه خمینی و جانشین وی... بخشی از مسایلی بودند که در مصاحبه هاشمی رفسنجانی با "هنری جمب" خبرنگار شبکه تلویزیونی ان.بی.سی آمریکا مطرح شدند. مشروح این مصاحبه روز شنبه ۸ دی ماه از شبکه ان.بی.سی آمریکا، پخش شد.

رفسنجانی در مورد جانشین خمینی و تعیین آن در صیتنامه اخیر وی گفت: "از محتوای صیتنامه ایشان هیچ کس جز خودش اطلاع ندارد. جانشین ایشان همانطور که اعلام شده است آیت الله العظمی منتظری هستند که هم از طرف مردم مورد قبول هستند و هم مجالس خبرگان ایشان را انتخاب کرده است. در آن مورد هیچ تردید نیست. وصیت نامه نمی تواند مربوط به تعیین جانشین باشد چون جانشین راه دیگری دارد و مربوط به رهبری نیست". وی توضیحی پیرامون علت تغییر صیتنامه خمینی نداد.

در مورد سلاحهای شیمیایی گزارشگران ان.بی.سی سوال کرد: "روز گذشته از آقای موسوی نخست وزیر شنیدیم که ایران حتی سلاحهای شیمیایی تولید نمی کند؟ آیا این حقیقت دارد؟ رفسنجانی در پاسخ گفت: "بله حقیقت دارد. البته ماهه نیازها، خودمان را تولید نمی کنیم..."

رئیس مجلس اسلامی در بخش پایانی مصاحبه خود، در پاسخ به پیشنهاد خبرگزاری ان.بی.سی مبنی بر اینکه وی، با یکی از مقامات ارشد آمریکا سر یک میز بنشینند و مذاکره کند، اظهار کرد: "اگر آنها (مقامات آمریکا) حسن نیت نشان دادند، ما این کار را خواهیم کرد."

مذاکرات پاترکیه
در مورد خط لوله نفت و گاز

رویتر گزارش داد جمهوری اسلامی سرگرم مذاکره پاترکیه برای ساختن یک خط لوله نفتی تا کرانه دریای سیاه است. این خبرگزاری به نقل از منابع آگاه نفتی در آنکارا اعلام کرد مذاکرات مربوطه در آینده نزدیک به پایان خواهد رسید. در صورت توافق طرفین، یک خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری، نفت خوزستان را به بند ترابوزان ترکیه در سواحل دریای سیاه منتقل خواهد کرد.

در حالیکه پروژه خط لوله نفت به مرحله احداث نزدیک می شود، پیشنهاد دیگر جمهوری اسلامی در مورد ساختمان خط لوله گاز و سرمایه گذاری مشترک دو کشور در احداث نیز، نگاههای گازی در امتداد مرزها تاکنون مورد استقبال دولت آنکارا قرار نگرفته است. ترکیه اعلام کرده است تنها حاضر به خرید گاز از جمهوری اسلامی و فروش انرژی برق به ایران است بر اساس طرح پیشنهادی ترکیه، نیز نگاههای گازی توسط ترکیه مستقلا و در خاک این کشور احداث می شوند و ایران تنها خریدار انرژی برق خواهد بود.

ارزی از ۴۶۰ دلار در سال ۶۲ به ۱۱۰ دلار در حال حاضر کاهش یافته که همین ۱۱۰ دلار هم به نجات ارزش ۵۵ دلار بیشتر ارزش ندارد. بدین ترتیب به لحاظ ارزش درآمد ارزی سرانه فعلی کشور کمتر از یک هتم درآمد ارزی سال ۶۲ می باشد.

از سوی دیگر با احتساب ۴۸ میلیون نفر جمعیت کشور، کل درآمد ارزی کشور در سال ۶۶، اندکی بیش از ۵ میلیارد دلار بوده است، که قوه خرید این ۵ میلیارد دلار به واسطه کاهش نرخ برابری دلار و بنایه اعتراف خود موسوی بیش از ۲/۵ میلیارد دلار نبوده و این در مقام مقایسه با واردات ۲۲ میلیارد دلاری ۶۲، عرق ورشکستگی اقتصادی کشور را تصویر می کند.

دو سال پیش تقی خامنه‌ای - از مخالفین حکومتی دولت موسوی - در نشست اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن به کاهش درآمد ارزی شدید کشور اشاره کرده بود، در آن هنگام زرادخانه تبلیغاتی رژیم علیه افشای این "اثرات اقتصادی" بکار افتاد، اینک موسوی ضمن ستایش از "تأثیرات مثبت" این ورشکستگی اقتصادی، مجدداً به درامدنگی و افلاس مالی کشور اعتراف می کند.

کرده اند. موسوی و دیگر حکومتیان که قادر به لاپوتانی بحران اقتصادی شدید کشور نیستند، می کوشند ضمن اعتراف به آن، آثار مورد ستایش قرار داده و به مثابه "برکت الهی" معرفی نمایند.

اعتراف به ورشکستگی اقتصادی

موسوی در سخنان خود در جمع خبرنگاران تصریح کرد: "درآمد سرانه ارزی ما در سال ۶۲ از درآمد نفت ۴۶۰ دلار بود که در حال حاضر به ۱۱۰ دلار رسیده است و از یک چهارم کمتر شده است و در عرض یک سال، دلار ۵۰ درصد نسبت به ارزهای مشابه دیگر کاهش یافته است. ما دلار کالاهای خودمان را از سایر کشورها به یمن، مارک، فرانک و سایر ارزهای معتبر دنیا وارد می کنیم و این نشان می دهد که قدرت خرید ارز حاصل از درآمد نفت به سرعت (بطور) سرانه چقدر پایین آمده است."

باز نظر گرفتن همین چند رقم می توان به عرق ورشکستگی اقتصادی کشور پی برد. براساس اعترافات موسوی نخست وزیر، درآمد سرانه

حکومت بود و هت، اماک غلبی و صرفه جویی اکید بر همه بخشهای اقتصادی کشور حاکم گردید.

ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی، تاکنون از زوایای مختلف و متنوع مورد بررسی قرار گرفته است.

اما آنچه به این موضوع تازگی می بخشد، همانا اظهارات میر حسین موسوی نخست وزیر در جمع خبرنگاران در روز ۹ دیماه است. موسوی طی این سخنان، ضمن ستایش از ورشکستگی اقتصادی به دفاع از کارنامه دولت می پردازد، اما ستایش از ورشکستگی اقتصادی و ستایش از اقتصاد ورشکسته و فلج شده، به خودی خود اعتراف به ورشکستگی اقتصادی است. موسوی می کوشد تا تبلیغات "مخالفین" حکومتی خود را خنثی سازد، چه مخالفین دولت موسوی تاکنون بارها بر بستر ورشکستگی اقتصادی به جنگ سیاسی علیه کارکرد جاری دولت پرداخته و ورشکستگی اقتصادی را نتیجه همین کارکرد جاری دولت، نتیجه بی لیاقتی دولت معرفی

بحران اقتصادی کشور به نحوی دم افزون، همه عرصه های اقتصاد کشور را در برمی گیرد. این بحران، کارکرد اقتصادی را فلج کرده و رشد اقتصادی را کاملاً متوقف ساخته است. شاخص اصلی و عامل نخست دور جدید بحران اقتصادی کشور، بحران ارزی است که از اواخر سال ۶۲ رخ نمود و در سالهای پس از آن به اوج خود رسید. اقتصاد تک محصولی و عمیقاً وابسته کشور به "ارز" که اساس ارز ناشی از صادرات نفتی است - بدون نبال کاهش بهای نفت و متعاقب آن کاهش نرخ برابری دلار در قبال سایر ارزهای قوی، به شدت آسیب دید و شیرازه اش کیخست طرحهای دولت برای تأمین ارز مورد نیاز از طریق افزایش صادرات غیرنفتی نیز عملاً ره به جایی نبرد و مشکل ارزی کاملاً لاینحل باقی ماند. درآمد ارزی فوق العاده سال ۶۲ - ۶۱ که چون میوه یرحلاوتی باب تلذذ حکومتیان را فراهم ساخته بود و به واردات عظیم ۲۲ میلیارد دلاری انجامیده بود، آنچنان به سرعت رو به کاهش شهادت که به سختی پس از چهران "هزینه های ارزی" جنگ، چیزی در بیت المال ارزی رژیم می ماند. این چنین شد که جز عرصه جنگ که مورد توجه ویژه

از رویدادهای ایران

بحران در بازار نفت

با وجود آنکه پیش از یکماه از اجلاس اوپک و انتشار بیانیه آن مبنی بر عدم افزایش بهای نفت، نگذاشته است، اخبار منتشره حاکی از تحولات جدید در بازار جهانی نفت است. به گزارش مطبوعات بریتانیا، روز پنجشنبه هفته گذشته بهای نفت خام برنت دریای شال به طور غیرمترقبه ای، کاهش یافت و از پشکه ای ۱۸ دلار به ۱۴/۵ دلار سقوط کرد.

ریلواتولفمن وزیر نفت نیجریه و رئیس اوپک در مصاحبه با روزنامه "ایندپندنت" چاپ لندن، واکنش بازار نفت در مقابل توافق جدید اوپک را "دیوانه وار" خواند. وزیر انرژی و نژوشلا در کاراس اظهار کرد که "پیمان منعقد اوپک در اجلاس وین ثبات مورد نیاز بازار را فراهم نخواهد کرد. بنا به ارزیابی وی، طی ۲ یا ۴ ماه آینده بحران دیگری در بازار نفت بروز خواهد کرد که دلیل آن نقض قوانین مربوط به سهمیه تولید اوپک است.

به گزارش رویتر، هفته گذشته "عبدالرحمان راملی" رئیس کمیته دولتی نفت اندونزی، از طرف دولت اندونزی، به اوپک هشدار داد در صورت تقلب و تخلف و عدم رعایت مفاد پیمان توسط اعضا، اندونزی نیز خود را به مراعات موافقتنامه اخیر اوپک - مبنی بر قیمت ۱۸ دلار در هر بشکه و سقف تولید ۱۵/۰۶ میلیون در روز - معقد نخواهد کرد. وزیر نفت اندونزی هشدار داد چاکارتا، تصمیم گرفته است در صورت نقض مفاد پیمان وین از سوی اعضا، خود را از

دستگیر شده بودند. علت درگیری روستائیان، اعتراض آنان به مفاد حکمی بوده است که از طرف مقامات قضایی محلی پیرامون نحوه آبیاری و استفاده از آب موجود محل برای کشاورزی صادر شده بود.

اخراج ایرانیان اشغال کننده سفارت جمهوری اسلامی از وروژ

هفته گذشته در وروژ اعلام شد دولت این کشور تصمیم گرفته است ۸ تن از ۱۱ نفر ایرانی را که برای اعتراض و ابراز مخالفت با رژیم خمینی در ساختمان رژیم اسلامی ایران در اسلو، مستقر شده بودند از آن کشور اخراج کند. خبرگزاری رویتر به نقل از پلیس وروژ گزارش داد این عده، به محل سکونت قبلی شان در کشورهای اروپا، غربی برگردانده خواهند شد. ۲ تن دیگر نیز، از وروژ تقاضای پناهندگی سیاسی کرده اند و تا پایان رسیدگی به تقاضایان در وروژ بزر خواهند بود.

افراد مزبور به اتهام اشغال ساختمان سفارت، از طرف دولت وروژ به ۶ ماه زندان محکوم شده بودند. همه آنها موارد سازمان چریکها، فدایی خلق ایران هستند که چند ماه پیش در اعتراض به رژیم سرکوبگر خمینی و ارسال اسلحه از سوی دول امپریالیستی به ایران، ساختمان سفارت را به اشغال خود درآوردند و از این طریق دست به افشاکری علیه سیاست ها، ضد بشری جمهوری اسلامی زدند. اشغال ساختمان سفارت اگرچه چندان به طول نیاچامید اما در سطح وسیعی در مطبوعات و افکار عمومی بازتاب یافت.

تعهدات اوپک آزاد سازد.

در اجلاس وین پیش بینی شده است چنانچه تحول تازه و مهمی در بازار رخ دهد اجلاس فوق العاده اوپک برای بررسی موضوع برگزار می شود. آقا زاده هفته گذشته طی مصاحبه ای رادیویی دعوت به تشکیل اجلاس فوق العاده را غیر ضروری دانست. و تحریم خرید نفت ایران از سوی ژاپن را نیز تایید نکرد اما روزنامه کیهان ۹ دی به نقل از خبرگزاری فرانسه نوشت، شرکت های ژاپنی تصمیم گرفتند واردات نفت خود از ایران را در سال ۱۹۸۸ به ۴۱ درصد کاهش دهند. تصمیم مزبور توسط شرکت های ژاپنی و ژائس سوخت و ذخایر ژاپن اتخاذ شده است. صادرات ایران به ژاپن روزانه بیش از ۲۰۰ هزار بشکه بود.

۷ کودک یک روستای ساری بر اثر انفجار خمپاره کشته شدند

۷ کودک خردسال روستای "آبندان سر" شهرستان ساری با انفجار بمبی که در محل پاوی آفها کار گذاشته شده بود کشته شدند. به نوشته روزنامه کیهان سوم دیماه، همب موهور که بصورت تله انفجاری با کلوله خمپاره ۸۱ میلیمتری ساخته شده بود در محل پاوی کودکان آبندان سر کار گذاشته شده بود.

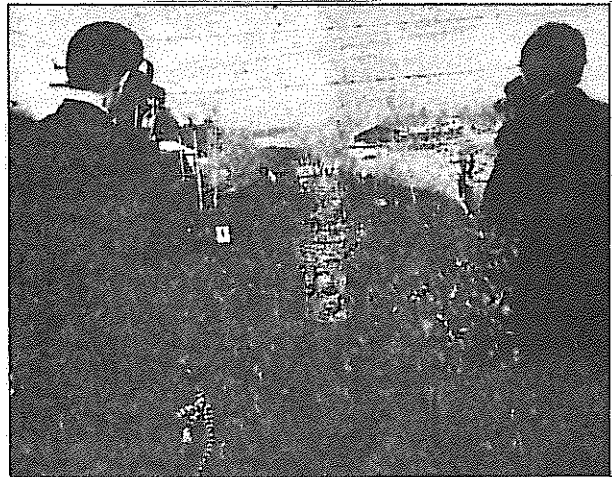
مطابق گزارش روزنامه کیهان، پیش از وقوع این جنایت فاجعه بار، بین اهالی روستای آبندان کش، روستای مجاور محل قتل کودکان خردسال، درگیری شدیدی با مامورین محلی جمهوری اسلامی رخ داده و وعده ای از روستائیان توسط مامورین

به مناسبت هفدهم دیماه روز شهادت تختی

تختی پهلوانی برای همیشه



او خود گذشته و بسیاری دیگر بجا می‌آید. انسانی تختی، مغرور هم الهام بخش ورزشکاران و جوانان در اجتماع و در صحنه ورزش است.



دیماه ۱۳۶۶، هزاران نفر در مراسم شب هفت درگذشت تختی در کرمان
این پاپویه گرد آمده اند تا حلقه فیرما ن جویش را کرامی دارند و چنایات
رژیم پهلوی را افشاگر باشند.

حمل کردند. در این روز طیفین شعارهای مردم علیه شاه و ساواک تهران را به لرزه درآورده بود. آنها فریاد می‌زدند "زحمتکشان بداند تختی شهید گشته".

تختی بچه خافی آباد تهران بود. او میان زحمتکشان برجسته بود و تا آخرین روزهای عمر خود فیض عشق آفتاب راه دل داشت. او در روزهای اوج زندگی ورزشی خود همچنان در راه آرمانهای زحمتکشان و مردمی که او میان آنان برجسته بود، مبارزه می‌کرد. ورزش و میدانهای ورزشی برای تختی عرصه ای از مبارزه علیه شاه بود. در میدانهای داخلی و جهانی، ورزش ایران را بر آوازه ساخت اما هرگز حاضر نشد در نمایشها و برنامه های تبلیغی شاه که برای کسب اعتبار رژیم خود به راه می‌انداخت، حاضر شود. شاه سرنگون شد اما خاطره دلوریها و عشق تختی به مردم به آرمانهای مردمی پایدار ماند. مردم دوستی، پاکبختی، شجاعت و

رو ۱۷ دیماه، بیستین سالگشت شهادت جهان پهلوان قلامر جاتختی به دست مزدوران رژیم سفاک ستم شاهی است. ساواک شاه دردی ماه سال ۴۶، تختی را چنایاتکارانه به قتل رساند. در مراسم از خشم و کینه مردم، رویتنامه ها و رسانه های تبلیغی رژیم شاه اعلام کردند که "تختی خودکشی کرده است"، اما این باوه را مردم باور نداشتند و می‌دانستند که جهان پهلوان بخاطر مقاومت و مبارزه تسلیم ناپذیر خود در مقابل زورگویی و بیدادگریهای رژیم شاه گشته شده است. مردم برای نشان دادن عشق خود به تختی و کینه و نفرتشان علیه رژیم، علیرقم دیسه های ماموران ساواک، مراسم باشکوهی را برای تشییع جنازه وی ترتیب دادند. هزاران نفر از زحمتکشان و دانشجویان و ورزشکاران، تابوت وی را روی دوش خود تا این پایریه

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران بمناسبت روز ورزش

برای اصلاحات دمکراتیک در دستگاه ورزش مبارزه کنیم!

شما یندگان خود را برگزینند. انتخاب مسئولین برنامه ریزی و تنظیم تقویم های ورزشی، چگونگی مصرف بودجه فدراسیونها سازماندهی مسابقات داخلی و خارجی باید زیر نظارت این شوراها انجام گیرد. تشکیل این شوراها در تمام سطوح و برعهده گرفتن اختیارات عملی از سوی آنها نخستین گام در جهت حل بحران ویرانگری است که ورزش ما را به نابودی تهدید می‌کند.

رژیم خمینی، در برابر کوچکترین بهبود در دستگاه ورزش کشور سرخشانه مقاومت و هر اعتراضی را بی رحمانه سرکوب می‌کند. برای مقابله با جواختناق و سرکوب و برای ایجاد تغییرات به سود حل بحران ورزش باید مبارزه ورزشکاران و جامعه ورزشی ایران برای تأمین دمکراسی در دستگاه ورزش کشور جدا از مبارزه در راه آزادی و دمکراسی در همه شئون اجتماع، یعنی شرکت فعالانه در مبارزات کارگران، زحمتکشان و جوانان در راه صلح، آزادی و سرنوشتی رژیم نیست.

میادین ورزشی ایران در چند ساله گذشته، از فعالترین مراکز مبارزه علیه رژیم بوده اند. جوانان ورزش دوست و ورزشکاران و پهلوانان با اعتراضات و تظاهرات بی شمار خود ضربات موفقی بر پیکر رژیم فرود آورده اند. جامعه ورزشی بدلیل استقبال توده ای جوانان از ورزش و به دلیل تماسهای گسترده بین المللی از امکانات بسیار مساعدتری برای تشدید این مبارزه برخوردار است. گسترش مبارزه به هراشد آه، از هر راه و هر طریق شریف ترین و مقدس ترین وظیفه ای است که در مقابل ورزشکاران میهن دوست قرار دارد.

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران

دیماه ۱۳۶۶

اوضاع نابسامان، سردرگمی و فساد تربیت بدنی، جابجایی مکرر مسئولین فدراسیون ها، انزوای روزافزون در عرصه های بین المللی، شکست های پی در پی تشدید محیط ضد دمکراتیک و محروم کردن بیش از پیش ورزشکاران، از دخالت در دستگاه تربیت بدنی، نتایج بحرانی است که ورزش ایران را به آستانه نابودی کشانده است. دشمنی رژیم با فعالیت های ورزشی ادامه جنگ که همه برده کشور را می‌بلعد، ترس رژیم از بروز اعتراض در محیط های ورزشی و کوشش های آن در جهت محدودیت بیش از پیش مسابقات دلایل عمده ای است که ورزش ایران را به وضعیت کنونی دچار ساخته است.

گسترش فزاینده اعتراضات جوانان، ورزشکاران، مربیان و همه دست اندرکاران دلسوز جامعه ورزشی ایران، که دامنه آن حتی به روزنامه های سانسور شده رژیم نیز کشیده است، نشانه آن است که ورزش دوستان و ورزشکاران نمی‌خواهند به این وضع اسف بار تسلیم شوند و به دنبال چاره برای نجات ورزش کهن سال و پر افتخار ایران از چنگال ولایت فقیه می‌گردند.

سازمان جوانان پیشگام ایران یک بار دیگر همه جوانان و ورزش دوستان را به تشدید مبارزه موثر برای رهایی ورزش از اوضاع اسف بار فعلی و برای گسترش و پیاور ساختن فعالیت های ورزشی فرا می‌خواند.

راه نجات ورزش در درجه اول، رهایی از چنگال و زنجیر ارتجاعی "مکتب" دستگاه مرتجع آخوندی و مشارکت فعالانه ورزشکاران و صاحب نظران امور ورزشی در اداره امور است. ورزش کشور باید از غل و زنجیر ارتجاعی "مکتب" آزاد شود. عمال رژیم باید از فدراسیونها تصفیه شوند و اداره امور دستگاه های ورزشی به شورای عالی مرکب از خود ورزشکاران و صاحب نظران دلسوز ورزشی سپرده شود. ورزشکاران باید آزاد باشند تا بدون دخالت مامورین رژیم

زحمتکشان ترکمن صحرا

قربانی سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

"زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" این شعار اساسی بر تارک آرزوی دیرینه دهقانان زحمتکش ترکمن می‌درخشد. برای تحقّق بخشیدن به این آرزو آنها زمین‌های زمینداران بزرگ و وابستگان به رژیم شاه منجمله امرای ارتش شاهنشاهی را مصادره کردند و تا پایان ۵۸ دوازدهک به ۴۰ روستا شوراهای خود را جهت اداره کشت جمعی و حفظ آنها تشکیل دادند. رژیم خمینی بتدریج وبا تحکیم موقعیت خود کمر به سرکوب دهقانان و نابودی شوراهای آنان بست. باردیگر سررکله فئودالها و زمینداران بزرگ در منطقه پیدا شد. آنها بانکیه بر سرنیزه پاسداران و ژاندارمها و به استناد احکام صادره از سوی حکام شرع به روستاها رفته خواهان استرداد زمینهای مصادره‌ای می‌شوند، اما دهقانان علیرغم شرایط دشواری که برایشان ایجاد شده، در برابر این زورگویی‌ها می‌ایستند.

جمهوری اسلامی زمینهای دهقانان را برای زمینداران بزرگ می‌خواهد و جان آنان و جوانانشان را برای شعله‌ور نگه داشتن آتش جنگ، این سیاست چغایتکارانه، کشاورزان را در جنگ فقر و گرسنگی و مرگ گرفتار کرده است. ما چرای قربان فقیری (قربان برقی) یک کشاورز سیستانی ساکن روستای سلاق یلّقی تنها یک شمشه او آن است.

روستای سلاق یلّقی در مجاورت روستای کامیشلی یلّقی آق‌کلا، محل زندگی و کار عده‌ای از کشاورزان سیستانی است که در دوران رژیم گذشته اکثر آنها در جستجوی کار به ترکمن صحرا آمده بودند و زمینداران بزرگ درازای پرداخت مزد بسیار کم، از آنها برای کار در مزارع بهره‌کشی می‌کردند. پس از

انقلاب، کشاورزان با کمک کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا زمین‌های فئودال معروف فروزانفر در سلاق یلّقی را مصادره کردند و به کشت بر روی این زمین‌ها پرداختند. قربان فقیری کشاورز زحمتکشی بود که پس از سال‌ها کار و زحمت در این روستا، توانسته بود پولی برای ساختن یک سرپناه تهیه کند. پس از آنکه او چهار دیواری آن را ساخت برای تهیه حلب و تخته به ارگانهای محلی رژیم مراجعه کرده، مصالح مورد نیاز را تقاضا نمود. مسئولین این ارگانها تحویل حلب و تخته مشروط به رفتن وی به جبهه کردند. او هم علیرغم میل خود ناچار به جبهه رفت تا پس از بازگشت مصالح را گرفته و بعد از عمر، تلاش برای خود و خانواده‌اش خانه‌ای تهیه کند. قربان به جبهه رفت. اما بعد از مدتی چنانچه این کشاورز زنجیده و ابرای زن و بچه‌اش بازگردانده شد.

* * *

از زمانی که سید مامی از سوی جمهوری اسلامی ممنوع اعلام شد، شرایط زندگی صیادان که مدتی پس از انقلاب با کمک و هدایت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن موفق به کسب برخی از خواسته‌هایشان شده بودند، بارنچ و مشقت روزافزونی توأم گشت. عده‌ای از صیادان نتوانستند با مشکلات فراوان عضو تعاونی‌های غاراتور شوند. این تعاونی‌ها متشکل از دسته‌هایی از صیادان است که محصول خود را بر اساس نرخ‌گذاری شیلّت به آن می‌فروشد. مسئولین ارگانهای محلی حکومت همواره کوشیده‌اند این تعاونی‌ها را به تعطیل بکشاند. تا آنجا که مقدور باشد، تعاونی‌ها را می‌چاپند. در حال حاضر از هر بار صید تعاونیهای موجود ۱۰ درصد به هزینه‌های جنگ تعلق می‌گیرد. ایادی حکومتی در

عین حال توسط عده‌ای اوباش اقدام به دزدی و سایل صید و قایق‌های تعاونیها می‌کنند. با اینهمه فشارها و ترفندهای رژیم نتوانسته است اراده صیادان را در ادامه کار در تعاونی‌ها و حفظ آنها، درهم شکند. هم اکنون دربند ترکمن تعاونی صیادان مجبور است محصول صید خود را به بهای ناژلی که توسط شیلّت آشوراده تعیین شده است به آن بفروشد و در کنار آن سالی چند کیلو تراز شیلّت بگیرد.

صیادانی که عضو تعاونی‌ها نیستند، شرایط پراگندگی سخت‌تری دارند. آنها همواره در معرض تهاجم افراد سپاه و بسیج قرار دارند و هر بار که مخفیانه به صید می‌پردازند، احتمال دستگیری و به غارت رفتن وسایل صید و قایق‌هایشان می‌رود. طی ماههای گذشته چند مورد درگیری بین صیادان آزاد و ماموران حراست بوقوع پیوست. شایع است که سپاه می‌خواهد در بندر کُز یک پایگاه دریایی دایر کند. به عقیده صیادان استقرار این پایگاه موجب تسلط بیشتر سپاه بر امور صید خواهد شد.

* * *

جوانان و دانش‌آموزان ترکمن صحرا در حرکت‌های اعتراضی زحمتکشان علیه جمهوری اسلامی شرکت فعالی داشته‌اند. رژیم در وجود آنها نیروی جوان و پالنده‌ای را می‌بیند که یار و یاور توده‌های ستدیده است رژیم از جوانان ترکمن هراس ویژه‌ای در دل دارد. بندرت می‌توان جوان ترکمنی را دید که موفق شود از همه سدهایی که حکومت برای جلوگیری از ادامه تحصیل جوانان این منطقه بوجود آورده است، بگذرد و وارد دانشگاه شود. بارها و بارها جوانان مستعد را به بهانه عدم صلاحیت از رفتن به دانشگاه محروم کرده‌اند. علاوه کمبود معلم و مدرسه و پایین بودن کیفیت آموزشی، مشکلات اجتماعی و شرایط اسفبار مالی خانواده‌ها اساساً امکان ادامه تحصیل را از جوانان ترکمن سلب کرده است. برای جوانان تنها دو چشم انداز وجود دارد، بیکاری و یافتن دادن به اجبار رفتن به جبهه. دانش‌آموزان مدارس مداوماً تحت فشارهای مستقیم و غیرمستقیم رژیم قرار دارند. رژیم با ارسال بخشنامه‌های متعدد به مدارس معنمین و دانش‌آموزان را به کمک‌های چائی و مالی جهت ادامه

جنگ دعوت می‌کند. امسال براسال همین بخشنامه‌ها خواسته شد که دانش‌آموزان نفری ۲۰ تومان و معلمین یک روز از حقوق ماهانه خود را (تا پایان جنگ، جهت کمک به جبهه) بپردازند، چالب آنکه در یکی از بخشنامه‌ها آمده بود هر کس موافق کمک به جبهه نیست می‌تواند کتبا اعتراض خود را بنویسد! بجز معلمین حزب الهی، سایر معلمین به‌عنوانی مختلف منجمله به بهانه بدهکاری بودن از کمک خودداری می‌کنند. دانش‌آموزان عموماً بی‌پول‌اند، دیده شده است که دانش‌آموزان با گریه به مدیر مدرسه مراجعه می‌کنند و اظهار می‌کنند که قادر به پرداخت کمک نیستند و در موارد زیادی، برخی مدیران در پاسخ می‌گفتند تا وقتی که پول نیاورید به مدرسه نیایید.

تنبیه بدنی در بسیاری از مدارس به چشم می‌خورد. وضع بهداشت مدارس نیز بسیار اسفناک است. در سال تحصیلی ۶۵-۶۶ بیماری یوستی کال در همه مدارس گنبد شیوع پیدا کرد. برای رژیم سرنوشت جوانان ترکمن تنها در خانه نشینی یا کشته شدن در جبهه‌های جنگ معنای یابد.

* * *

اعتیاد به مواد مخدر در ترکمن صحرا پیدا می‌کند. در گنبد پایک نگاه می‌توان ابعاد وسیع آن را دریافت. در خیابانهای اصلی گنبد زنان آواره سیستانی با چاند بچه قد و نیم قد مشغول گدایی‌اند تا از این طریق پولی جمع کرده، "مواد" تهیه کنند. در میان جوانان اعتیاد روز به روز گسترش می‌یابد. در روستاهای اطراف گنبد مانند قویلی و قزل‌چماتی اعتیاد ابعاد گسترده‌ای دارد. در آق‌کلا و روستاهای مجاور اعتیاد با شدت بیشتری رواج یافته است بطور مشخص در روستای یامپی ۵۰ درصد جوانان و میانسالان و از جمله زنان معتاد و بعضاً عامل فروش مواد مخدرند! روستای یامپی در میان مردم آق‌کلا و حومه به زاهدان ترکمن صحرا معروف است. در بندر ترکمن نیز اعتیاد رواج دارد و بسیاری از جوانان را به کام خود کشیده است.

واقعیت‌های زندگی زحمتکشان ترکمن صحرا گویای رنجی است که جمهوری اسلامی بر آنان روا داشته است. زحمتکشان ترکمن صحرا قربانی سیاست‌های ضد مردمی رژیم خمینی‌اند و هم آنان همیشه با دیگر کارگران و زحمتکشان ایران، این سببین تیره روزی خود را به‌گور خواهند سپرد.



جنگ نفت کشها و سودجویی های میلیونی

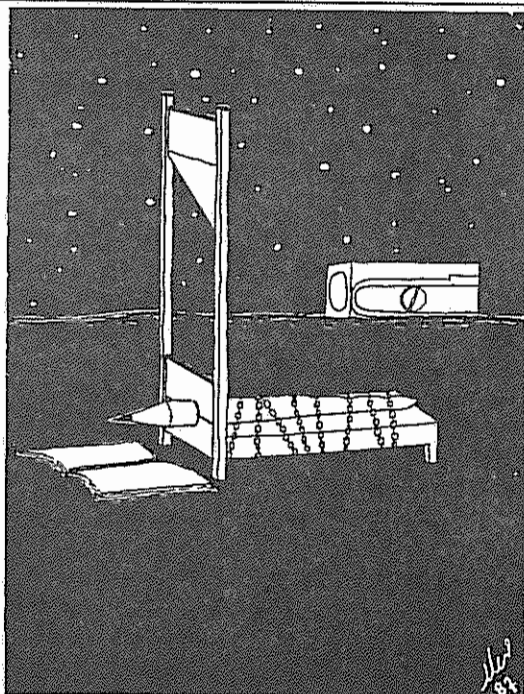
دلار از جمهوری اسلامی دریافت می کند (ناخداها اغلب اروپایی هستند). اما سود اصلی به جیب شرکت های کشتی رانی می رود که تنها ۲۷۰ دلار حقوق ماهیانه به ملوانان می پردازند، اما بابت هر سفر به ازای هر یک تن از خدمه کشتی، ۵ هزار دلار از ایران دریافت می کنند. مقته نامه "اشپیکل" چاپ آلمان فدرال که این اطلاعات را منتشر کرده است، می نویسد به شرکت عده کشتی رانی یونانی نفت ایران را به لارک می رسانند. سایر کشتی های این شرکت، از حملات جمهوری اسلامی درآمانند.

جنگ نفت کشها اگر به همه آسیب می رساند، حداقل منشا کسب سود برای شرکت بیمه لویدز و برخی شرکت های کشتی رانی است. بیمه لویدز که دیگر نفت کش ها، رفت و آمد کننده در بین خارک و لارک را بیمه نمی کند، هر از چندی حق بیمه را به دو برابر افزایش می دهد. برخی شرکت های کشتی رانی نیز بابت رساندن نفت ایران از خارک به جزیره لارک، مبالغه میلیونی به جیب می زنند. این مسیر در محافل کشتی رانی به "بولوار اکزوست" (اشاره به موشک های اکزوست عراق) مشهور شده است. ناخدای هر کشتی بابت هر یک بار رساندن نفت به لارک تنها ۱۰ هزار

در یک کشور سرمایه داری به چه کسی مدال می دهند

مدیرعامل انحصار "فلیک". بدنبال صدور حکم دادگاه، به مقامات ایالت نوردراین-وستفالن پیشنهاد شد فورستر، مامور اداره مالیات که با پیگیری خود، ماجرا را برملا کرد، با اعطای یک مدال خدمت، مورد قدردانی قرار گیرد. نخست وزیر دولت ایالتی، این پیشنهاد را تحت این عنوان که فورستر "تنها وظیفه خود را انجام داده است" رد کرد. چالب اینجاست که سه متهم رشوه خوار و رشوه ده، همگی یک پاچند بار مدال خدمت درجه یک دریافت کرده اند.

در سالهای اخیر در آلمان فدرال، رسوبی گسترده ای در رابطه با رشوه خوار، صدراعظم و وزراء، کابینه این کشور و ژوئیند آنها با انحصار بزرگ "فلیک" به راه افتاد. هر چند دادگاه، متهمین را از اتهام ارتشاء، مبرا دانست و آنها را تنها به جریمه های نقدی به علت "تقلب مالیاتی" محکوم کرد، اما در ذهن اکثریت مردم، این ماجرا به عنوان گواه بارز درم آمیزی قدرت دولت و انحصارات و فساد سران دولت نشست. در دادگاه سه متهم اصلی محکوم شدند، لامسدورف و فریدریش دو وزیر اقتصاد پیشین و فون براوخیچ



افزایش جمعیت و مسئله فقر و گرسنگی

پخوانند و یاب زحمت قادر به این کار هستند. وزیر کار آمریکا این امر را که ۱۵ درصد جمعیت آمریکا عملاً بیسوادند، یک "فاجعه ملی" خوانده است.

اگر تنها یک پنجم مبالغه که صرف تسلیحات می شود به مصرف مقابله با بیکاری برسد، تا سال ۲۰۰۰ ۵۰ درصد صرفه جویی در مصارف نظامی برای حل مسئله کشاورزی و از میان بردن مشکل گرسنگی جهان در دهه آتی کافی است.

اگر این واقعیات را کنار هم بگذاریم، عبق غیر انسانی بودن سیاست امپریالیسم را که به مسابقه تسلیحاتی دامن می زند و فقر و گرسنگی و بیسواد را حفظ می کند، آشکار می شود.

جمعیت جهان به پنج میلیارد نفر رسیده است. در سال ۲۰۱۰، رقم جمعیت به هفت میلیارد تن خواهد رسید. در سال ۲۰۲۰، هشت میلیارد انسان بر روی کره زمین زندگی خواهند کرد. آیا کره زمین می تواند این همه جمعیت را تحمل کند؟ توماس مالتوس، نظریه پرداز ارتجاعی انگلیسی در قرن نوزدهم می گفت فقر، قنایع طبیعی، گرسنگی و جنگها خود بخود مسئله انفجار جمعیت را حل خواهد کرد. با اینکه نظریه مالتوس بارها رد شده است، هنوز "مالتوسی" هایی وجود دارند که وجود فقر و جنگ و... را برای جلوگیری از انفجار جمعیت ضروری می دانند. در آمریکا سالانه ۷۰۰ هزار دانش آموز کارنامه ای را دریافت می کنند که خود یا نمی توانند آن را

ماجرای خلخال و چای نگین

"همه" به یاد دارند. البته خلخالی فراموش کرد بگوید این "همه" چه کسانی هستند. خبرنگار "گوناگون" از هر کس که در دسترس خود داشت، پرسید این تبلیغات "چای نگین" چگونه بود که "فسق و فجور" آن بعد از ۱۰ سال هنوز به یاد خلخال مانده است. متأسفانه حافظه هیچ کس تا این حدیاری نمی کرد. برای ما چاره ای نماند جز این که نتیجه بگیریم جلاد و دلقک رژیم، با دقت خاصی "فسق و فجور" چای نگین را دنبال می کرده است که اینطور به یادش مانده است.

اعتمادیان رئیس شرکت سازنده "چای نگین" از نزدیکان واعظ المپی "متولی آستان قدس رضوی" است. واعظ طبسی خود وابسته به باند خامنه ای محسوب می شود. خلخال، که گاه به هیات جلاد و گاه به صورت دلقک دربار خمینی ظاهر می شود، در مجلس آخوندی برای زیر ضرب بردن واعظ طبسی، حمله شدیدی به اعتمادیان دست راست او کرد و گفت اعتمادیان صاحب همان "چای نگین" است که تبلیغات تجاری ترام با "فسق و فجور" آن در زمان شاه را

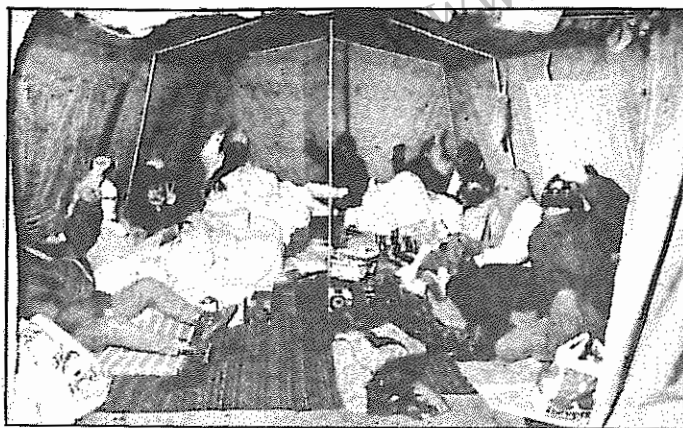
اعتراض برای مقابله با بازگرداندن يك پناهنده



عکس، صحنه‌ای از تظاهرات ایرانیان مقیم کولتورگ سوئد را نشان می‌دهد. این راه‌پیمایی روز دهم اکتبر در اعتراض به دولت سوئد و به حمایت از یکی از ایرانیانی که پلیس سوئد قصد اخراج وی را از این کشور داشت صورت گرفت. یغماندگان ایرانی با برپایی میتینگ‌های اعتراضی و ارسال نامه به سازمانها و شخصیت‌های اجتماعی از اقدام پلیس جلوگیری کردند. پلیس قصد داشت یکی از ایرانیان متقاضی یغماندگی را که تقاضای وی ۷ ماه پیش از طرف اداره مهاجرت سوئد رد شده بود، توسط یک هواپیمای اختصاصی به تهران بازگرداند. اعتصاب غذا و اعتراضی بکپارچه ایرانیان، اداره مهاجرت رایج لغو حکم سابق و بررسی مجدد آن وادار کرد.

اعتصاب غذا

برای دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران



بقیه از صفحه اول

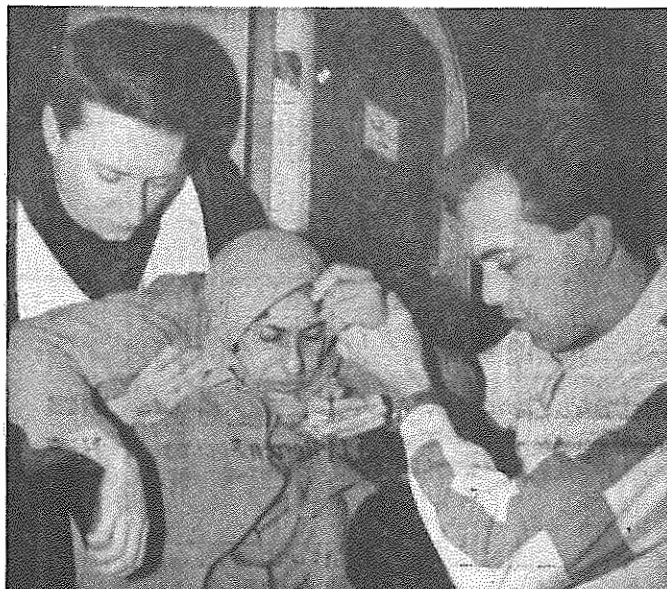
حزب کمونیست کارگری سوئد - مالمو، حزب کمونیست‌های چپ سوئد - مالمو، حزب مارکسیست - لنینیست انقلابی سوئد، انجمن دوستی سوئد - شوروی، کمیته صلح شوروی و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در مالمو و جمعی از شخصیت‌های مترقی سوئد با اعزام نماینده و با صدور پیام، همبستگی خود را با اعتصاب غذای پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران ابراز داشتند.

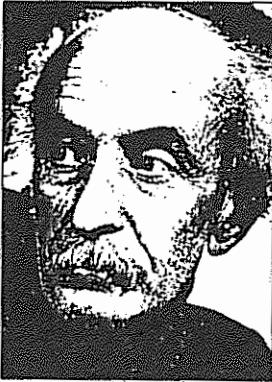
و رادیوهای مدلی داشت. به دنبال پخش خبر اعتصاب غذا، گروه‌های زیادی از مردم سوئد به محل اعتصاب غذا آمده و با زندانیان سیاسی ایران و حرکت اعتصاب غذا برای حمایت از آنان، اعلام همبستگی کردند. آنان متن‌های اعتراضی نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی ایران و نیز اعلام همبستگی با رهبران دستگیر شده حزب کمونیست متحد ترکیه را امضا کردند.

اعتصاب غذای

۴۰ پناهنده ایرانی در فرانسه

از هنگام اخراج ۱۵ پناهنده ایرانی وابسته به سازمان مجاهدین که در تاریخ ۲۷ آذر توسط دولت فرانسه به زور به کابین فرستاده شدند، ۴۰ تن از مهاجران ایرانی در پاریس علیه این اقدام نفکین دست به اعتصاب غذا زده‌اند. در روز یکشنبه ۱۲ دی‌ماه خبرگزاری‌ها از پاریس گزارش دادند ۵ تن از اعتصابیون به بیمارستان انتقال یافتند. در میان این ۵ نفر حال یک زن پناهنده که مبتلا به بیماری قلبی است وخیم گزارش شده است. عکس، انتقال او را به بیمارستان نشان می‌دهد.





نوشته مهدی اخوان ثالث ،
از کتاب بدعتها و بدایع نیما یوشیج

بمناسبت سالروز مرگ نیما یوشیج

دوازدهم دی ماه مصادف با سالروز مرگ نیما یوشیج (علی اسفندیاری) ، پایه گذار شعر نوین فارسی است . برای بزرگداشت یاد نیما ، پیشنهادی که شعرش بیان زندگی رنجبار و فریاد غم و نوید پیکار و پیروزی است و برای شناخت نیما و شعر نیمايي نوشته ای از مهدی اخوان ثالث (م . امید) را بر گزیده ایم . اخوان ثالث در این نوشته شعر "کارشپ پا"ی نیما را مورد نقد قرار داده است .

بابای شعر نیما

حال و معنایی هم برگزیدهها افزوده ، البته این بیان کمابیش ذهنی است ما «هول» را فقط می شنویم و بشکل کلمه ، آنرا نمی بینیم اما او بزودی این کوتاهی را مرمت میکند ، بزودی جلوه های عینی هول را ارائه خواهد کرد ، مخصوصا باطراحی خلاصه و کم خط بشی حرکات دیگر برای شناسایی بیشتر ...

میرود دو کی ، این هیكل اوست
میرمد سایه ای ، اینست گراز .

خوب ، اکنون دیگر مردداستان سخن آمد . بیشتر کار اصلی صورت گرفته است . مرد را چنانکه پسندمات و سفارش زندگی ما و مقتضای همدردی بشریمان ، درست و با بصیرت انتخاب کردیم صحنه را باوضعی کوتاه و لازم ، بی زوائد مغل قوت بخشیدیم و مردداستاندیم همین درد رجاء اول از اهمیت و دشواری قرارداد نشان داد و نشانی از توجه و شیوه تفکر ما ، چون گزینش ماهمان بینش ماست مراقبت های پس از این چندان دشوار نیست اگر گرگ ما را برخت و چوب شبانی نفریفته باشد ، انتخاب درستی کرده ایم ، همان کسی را که باید به صحنه آورده ایم ، ما باینه های دست دهقان آشنا ایم ، او هرگز مثل مباشر حرف نخواهد زد ، و نه مثل ارباب و آخونده و زاندارم پاسگاه نزدیک و کدخدا . باوجود مه آلودگی فضا اشتباه نکرده ایم خودش است ، این همان شب پای مازندران است لباس خودش را دارد و بر صحنه زندگی رنجبار خودش است حال دیگر میدانند که چها بگوید ، خوشبختانه او نه بودا خوانده است نه شوپنهاور و نه هگل ، پس یقین مثل «فلان دکتر» باچوبدست شطیحات تفرعن آمیز نیچه بر سر دهقان فیلسوف نخواهد کوفت ، اما وقتی دردش می گوید :

تازه مرده ست زلم
گر سینه مانده دو تائی بچه هام ...

بسیار قویتر از پیروان آن فیلسوف اجتماعی جواب دکتر فلان را میدهد و کارش همچنان ادامه دارد .

باز می گوید او بر سر طبل ،
در هوائی به مه اندوده شده ،

هان ، پس او شب پای تنها مانده ای است که چندان تنها هم نیست «دوتائی بچه های» کرسنه ای هم دارد و قصه میرویدم در شاخ و بزین بر طبلش در خیل خیل پشه ها و در شب موزی گرم باید همچنان و همچنان دنبال شود :

مثل اینست که با کوفتن طبل و دمیدن در شاخ

اما «آنجا» کجاست که او بخود می گوید ، یا با او می گویند «مرد» ! برو آنجا ؛ انکار اینجا طلوع و غرویی است سینمایی ، تصویری محو و تصویری آشکار میشود . وصفی است مختصر از «آنجا» از کلیه های روستائی در مازندران بستی ازنی و چوب بست (نبار) و «کله سی» (اجاق) و بچه «دینجر» (شلوگ کار) و پیه سوزی کورسو و دیگر هیچ ... اما نه ، و دیگر پشه ها :

بچه دینجر از زخم پشه
بر نی آرامیده .

هست جولان پشه
هست پرواز ضعیف شبتاب

یک کلمه زائد یا برای آرایش و تنهه وزن و قافیه نبود آنچه در اولین نگاه و تأمل

گاهی از اینجا و آنجا شنیده میشود که «شعر نیما پیچیده و پرنج است» و حال آنکه چنین نیست ، نیما شهری ساخته است که مسافر غریب ممکن است در آن شهر ، بنا بر سوسه های سرگردان بماند . اما همینکه هول ساختگی غربت تازه وارد ریخت و چشمش سایه ها و چراغها را شناخت و به فضای شهر کمی عادت کرد همه کوچه پسکوچه ها را آشنا خواهد یافت و هر خیابان و محله را نیز و حتی سردابها را با سایه های سیر و غمگینشان .

پیچیدگی و ابهام در شعر نیما از نوع تمقیدات خاقانی و نظامی و انوری ، مثلا ، نیست و نه نیز از نوع پیچیدگیهای شیوه هندی که شرح آثارشان احتیاج به یک دوره «علوم» و خرافات از قبیل نجوم و معافات دارد .

بنابراین راه رفتن ما باینجا و آنجا چند شعر نیما از نوع شروخی که بر خاقانی و دیگران نوشته اند نیست بلکه فقط همان گام یکام ایستادن و توجه کردن است بی آنکه نیازی باشد به مدد گرفتن از علوم و فنون مرده و غیره . اینکار فقط چشمی میخواهد که با آن خوب ببینیم (و گاه بشنویم) و گوشه ای که بشنویم (و گاه بنکریم) تنها مسأله مهم و لازم در توجه ما نیست که چندان متوقع نباشیم که مره های ما نوس را بجشیم و قالبگیرهای مهود را ببینیم و آسان طلبی عادیان را سیراب کنیم .

با کمی دل دادن در می یابیم او تمام آنچه یارهای را که برای فضای شعرش لازم است ، تعبیه کرده ، همه عناصر دیدنی و شنیدنی و اسامی ذات ، مثل سایه روشن صحنه ، خطوط اصلی و آرایشهای صحنه ، صدای خاموشی ، حرکات و سکون ، و نیز عناصر نامرئی و اسامی معنی و حال ، مثل هول و اندوه و دیگر لوازم صحنه آرائی را ، غالبا با وضعی بسیار ساده و گویا طراحی میکند . در شروع کار شب پل شب با کمی است که شبها مرز عه برنج (آیشی) را می باید - ببینید وصف چقدر کامل و در عین حال مختصر است . اول با چند خط کوتاه عناصر اصلی گوشه ای از صحنه را طرح می کنند که مهتاب شبی است آرام ، و ما آرامش را بیشتر از حالت خفتن «تیرنگه» (قرقاول) بر شاخه «اوجا» (یک قسم نارون) حس می کنیم ...

ماه می تابد ، رود آرام است .

پس از طرح این آسودگی و تعطیل ، ناگهان قهرمان داستان ، مرد شب پا ، را به صحنه می آورد و می شناساند و با تضادی از تعطیل و خاموشی کائنات از یکطرف ، و پیداری و شب زنده داری رنج و زحمت از طرف دیگر به قصه و قصیده خود قوت می بخشد ...

با این تمهید ما را از خود پیاده کرد . در «دو نامه» در نوشته نیما چنین میخوانیم :
«لازم است ... خواننده را با اولین مصرع از خود بیرون بکشد و بدست فرمان خود بگیرد» (نامه نیما در دو نامه ص ۳۳) .

او هم اکنون چنین کرده است ما را با همین سرعت و سادگی به خیلی چیزها آشنا کرده است . از راه میان بری ، برشی از زندگی قهرمانش را بر کشیده است و پیش چشم ما گذاشته ، اما هنوز چیزهای دیگری را هم باید نشان دهد ، هم از دیدنیها و هم شنیدنیها و هم اینکه بدانیم کار این قهرمان چگونه است .

می دمدگاه به شاخ ،

نه صدایی است بجز این کز اوست ...

بدنها خواهیم دید که هوامه آلود است و در گرد مهتاب بر آن بنشسته ، پس دیگر از اشاره به تیرگی باوجود مهتاب ، تعجب نخواهیم کرد ، تاکنون طرح صحنه را دیده ایم ، مرد صحنه را شناخته ایم و معنی حرکاتش را ، صدای طبل و شیپور شاخی را هم شنیده ایم ، اما هنوز صحنه آرائی کامل نیست ...

می دمدگاه بشاخ ،

گاه می گوید بر طبل ، بچوب .



شود همراه باخود لفت واسطلاح تازه هم می آورد و اینکار اگر باصبریت و بی تمسنع صورت بگیرد به وسعت و توانائی زبان میافزاید. مقصودم از بی تمسنع اینست که چنین نباشد که لغات مصطلح و معمول صحافان را مثلاً، از قبیل: جلد، شیرازه، مقوا و غیره قطار کنیم در پیتی بایش و بعد حظ بدیمی ببریم از اینکه «مراعات النظیر» مجلد گرانهای یز قرار کرده ایم. فی المثل نیما در کارشپ با از کلمات محلی استفاده کرده است مثل بینچگر، نیار، کله سی، و غیره اما نه بشوق مراعات النظیر (گرچه کمایش از چنین حالت مسنت بدیمی هم خالی نیست) بلکه باین سبب که این کلمات محل حاجت او بوده است و جانشین های گویاتری نداشته است اولاً، و ثانیاً باین سبب که در این لغات حال و فضای مازندران بیشتر انعکاس دارد تا احیاناً مترادفات آن کلمات از فارسی مصطلح و رایج، ازین حیث نیما خاقانی را بیاد می آورد و نیز قائم مقام فراهانی را. باری، داستان نزدیک بشام است گرچه کارشپ با تمام شدنی نیست. او اینکار را می کند برای چه؟ برای اینکه باز هم باهمین مشقت بتواند زنده بماند. اما زنده بماند برای چه؟ برای اینکه باز هم بتواند این کار را بکند. اگر باز پرسیم برای چه، دور زدیم. اما ازین دور تسلسل کوتاه و بوج و عبت چه حاصلی؟ همین است مسأله. و قوت این قصیده به جهاتی شاید در طرح اشاری و بی صراحت همین سؤال باشد. در این بند شعر که به صراحت هم نزدیک شده ایم:

میکنند باردیگر دورش از موضع کار
فکرت زاده مهر پدیری

و شاید به سائقه همین فکر و سابقه رنجها و محرومیت هایش است که مرد شب با عصیان می کند اما در عالم خیال:

باز می گوید: «مرد ز ن من.
بچه ها گرسنه هستند مرا»

اینست، فقط تا همین حد، بارش عصیان او. اما چه فایده؟ کاری که باید، یا نباید بشود، شده است خواه برود و خواه نه، خواه خوگها بیایند بویرانگری یا نیایند، مرد شب با تنها تر شده:

«چه شب موذی و سنگین! آری
همچنان است که او می گوید»

دیگر حق دارد ماه را فراموش کند و شاید حذف. گویا غروب کرده است. گویا همان غبار روشنائی هم زاید بود. حق دارد حدود را تنگتر سازد و شب را تیره تر و سنگینتر. انکار شبشکارش را اگر گرفته می خواهد مشتش را ببندد، بشنود. این پروانه نیست و نه گنجشک که در مشت شب بهم فشرده میشود، می پژمرد و آب میشود. این یک لخته خون است، دل مرد شب با. و ببینید چه وصف ساده و گیرائی و تشبیه پرقوتی:

هر چه، هر چیز که هست از بر او

و کار شبها از شعرهای نمونه، نیما یوشیج است. بعضی از اصول شیوه او در این منظومه بکمال آمده است و بسیاری از خصال هنر او را متبلور گردانیده. از سیمای انسانی و غمگینش و دلسوزی و همدردیش با رنج و اهل رنج، از فضای مآلود و اندوهگین و شورش، و قدرت طراعی و تشبیه و وصفش، از قطع و فصلهای جالبش و شیوه خاستش در ترکیب و هماهنگی و بازگشتن بدستانگویی و ترجیع هائی که مثل پیوند و گرهی نمیکند رشتن رها شود، از زمزمه آرام و بیض آمیزش، و زبان خاص و سادگی بیانی و صفای کوهستانی و چه وجهها، همه را در این داستان می بینیم و نیز پایانی چه مناسب یادآور شروعی آنچنان خوب:

هیچ طوری نشده باز شب است
همچنان کاول شب، رود آرام

شاید بتوان دید و شنید و همان است که اصلی و در بایست است نشان داد. در این قبیل مواقع نیما به وصف «امپرسیونیستی» بسیار نزدیک میشود. آنجا را هم دیدیم شاید، کلیه خود او نبود، اما بهر حال نمونه ای بود و باز شب است و:

«چه شب موذی ای و طولانی!»
نیست از هیچکسی آوائی...
ده از او دور، و کسی گر آنجاست
همچو او زندگیش می گذرد.
خود او در آیش

و زن او به نیازی تنهاست

پس در آنجا هم هم خبرهای دلکش نبود. بر گردیم به جایی که شب پارا گذاشتیم و باخستگی و زحمت طاقت فرسایش. شب با صبور است و شاید هرگز مثل ما از این پرسشها ندارد که: اینهم کار شده؟ که آدم از سرشپ می در شاخ بدمد و بر طبل بکوبد و مزرعه دیگران را بپایند؟ حوصله سگ هم سرمی آید و می گریزد و آدم را تنها می گذارد:

«آی دالنگ! دالنگ!» صدا می زند او
بینچگر بی ثمر آنجا تنها
چون دیگر همکاران...

شعر مدام می جوشد و موج میزند و چشم بیننده را به حفیض و اوج می برد و به چپ و راست. اینجا باز بینید باچه وصف امپرسیونیستی کوتاه و تمامی، حالت و حرکت مرد را در محیط تاریک و پر ایهام گرداگردش تجسم میدهد و از اطراف جدا میکند. «شماله» چوبی است از درختی جنگلی که نوعی زیت طبیعی در آنست و اهالی جنگل آنرا می افزون و دوازش مشعل می سازند:

نه کسی و نه سگی همدم او
بینچگری ثمر آنجا تنها

ازین خلاصه تر و کامل و گویاتر حتی نقاشی کردن هم دشوار است.

کم کم پای «شما» هم بمیان خواهد آمد. این «شما» خود شما نیستید یا دوستان شما نیستید، و گرنه دشمنان شما و مرد شب با. شاید هم شیوه ناچور و دور از داد زندگنی باشد که جاری است. بهر حال، اگر مرد شب با را در جامه ای که دارد بچایا و بپیم، مسأله چندان دشوار نیست. زیرا هنوز شب است و او:

طبل می گوید و در شاخ دمان
به سوی راه دیگر می گذرد.

و چه کم حرف است مرد. و چه تکرار می کند حرفی را. شاید حق داشته باشد کم حرف باشد، زیرا باچه کسی حرف بزند؟ همدانش باخودش؟ اما بی شک حق دارد تکرار کند زیرا او یک قسم بیش نیست، رنجش، کرسنگی بجهانش، و شبش:

«چه شب موذی و گرمی و سمنج!
بچه گانم ز ره خواب نگشتند بدر»

آیا باعداد نزدیک است؟ یا این تضرع خاموش، این مناجات غمگین و باخود او، چون لایمی آشنا و نوازشگری بکوشش رسیده؟ اما بهر حال او حق ندارد بالایی هیچکس چشمان خسته خود را بخواب سپرد و شاید هم رشک میبرد به زندگی سگی که میتواند لااقل چند لحظه بلکه هایش را گرم کند:

«دالنگ! دالنگ!» گرسنه سگ او هم در خواب.
هر چه، خوابیده؟ همه چیز آرام
میچمد از پلمی خوک بهلم.

پلم نام گیاهبونه ای است و لم تمشک و خار دردم. نیما در این شعر نه تنها از فضا و هوای سرزمینش مازندران و زندگی مردم آنجا مایه بسیار گرفته، بلکه از لغات و اصطلاحات محلی و خاص هم غافل نمانده است ناچار وقتی گوشه تازه ای از زندگی باغنا سر تازه، به شعر وارد

بخش دوم

انقلابات اجتماعی سال های ۱۹۴۰

در شماره پیشین "اکثریت" بخش اول مقاله "انقلابات اجتماعی سال های ۱۹۴۰" که در آن تجربه تشکیل دولت های دموکراتیک خلق در جریان و در ادامه مبارزات ضد فاشیستی در اروپا مورد بررسی قرار

گرفته است، از نظر خوانندگان گذشت. در زیر بخش دوم مقاله درج می گردد. این مقاله از نشریه "بررسی مارکسیستی جهان" شماره ۷ سال ۱۹۸۴ برگرفته شده است.

نقش اتحاد شوروی (علاوه بر آنچه گفته شد) در این امر بود که حضور ارتش آن و اعمال کنترل آن در تعدادی از کشورها تا تکمیل قرارداد های صلح، از انقلابات در مقابل مداخله خارجی محافظت و ارتجاع داخلی را جثتی می کرد و از این طریق راه سالمات آمیز تحول انقلاب را امکان پذیر می ساخت. با تناسب قوای متفاوتی از آنچه بود، احتمال مداخله مسلحانه از خارج و برخورد های خونین زیاد می بود. متلاذرومانی در اوایل ۱۹۴۵ دولت ژنرال رادسکو تحریکات مسلحانه ای انجام داد. بر اثر حمایت قاطع نماینده اتحاد شوروی در کمیسیون کنترل متفقین در رومانی از نیرو های دموکراتیک، تظاهرات ۸۰۰ هزار نفره در بخارست در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست رومانی، و بسیج واحدهای پارتیزانی، درگیری ها به حد جنگ داخلی نرسید. حضور ارتش سرخ در لهستان نیز نقش مشابهی داشت. در این کشور محافظ راسترگای بورژوازی نه تنها نهادهای سیاسی در مهاجرت خود (حکومت، پارلمان وقت و غیره) را حفظ کرده بودند، بلکه در ماه مه ۱۹۴۵ ارتش منظمی متشکل از ۲۰۰ هزار نفر تحت فرماندهی قدرتهای غربی و نیز واحدهای مخفی مسلح داشتند.

نیرو های مسلح شوروی همزمان با جلوگیری از صدور ضد انقلاب، با چنان دقتی مقررات حقوقی بین المللی را رعایت می کردند که به گواهی اسناد، حتی سیاستمداران بورژوازی وابسته به حزب سوسیالیست ملی چکسلواکی در سال ۱۹۴۶ ناچار به اعتراف شدند که: "تعهد عدم مداخله در امور داخلی ما از جانب اتحاد شوروی با پیگیری و ملاحظه ای که همواره در برخورد قدرتهای بزرگ به کشورهای کوچک معمول نیست، رعایت می شود. حتی یک مورد نیز وجود نداشته است که اتحاد شوروی به هر طریقی بکوشد تا تأثیری بر حل مسائل داخلی ما بگذارد. رفتار اتحاد شوروی در این رابطه، نمونه ای از اجرای شرافتمندانه تعهدات است." پترو گروزا رئیس دولت رومانی نیز به گونه ای مشابه از فعالیت نمایندگان شوروی در کمیسیون کنترل متفقین تمجید کرد و گفت: "در تمام طول دوره متارکه جنگ، حاکمیت دولت رومانی و استقلال آن، و فیوض حرمت ملت رومانی حتی در یک مورد نیز نقض نشد. برعکس، نمایندگان دولت شوروی، سیری بودند که از استقلال، آزادی و شرف ما بر علیه هرگونه تجاوز دفاع می کردند. به برکت این حمایت ما قادر شدیم هر تلاشی برای محدود کردن حاکمیت و استقلال خود از طریق مداخله خارجی در امور داخلی خود را به عقب برانیم."

کمک اتحاد شوروی در عرصه بین المللی در دوره ای که نظام پس از جنگ اروپا شکل می گرفت،

برای سر نوشت انقلاب در همه هشت کشور اهمیت زیادی داشت. از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵، اتحاد شوروی قراردادهای دوستی با چکسلواکی، لهستان و یوگسلاوی منعقد کرد. در همه مراحل مذاکرات بسیار پیچیده با قدرتهای غربی عضو ائتلاف ضد هیتلری در مورد مسائل لهستان، یوگسلاوی و چکسلواکی، حکومت شوروی بلا تغییر در کنار نیرو های دموکراتیک این کشورها قرار گرفت.

موضع شوروی به روشن ترین وجهی در طرح و انعقاد قراردادهای صلح با کشورهایی که زمانی اقرار "رایش سوم" بودند، بازتاب یافت. در کنفرانس صلح پاریس در ۱۹۴۶، اتحاد شوروی این نظر را ابراز داشت که خلق های بلغارستان، مجارستان و رومانی مسئول سیاست طبقات حاکم خود نیستند، به ویژه بدین خاطر که در مراحل پایانی جنگ این کشورها به آلمان هیتلری اعلان جنگ داده، جانب متفقین را گرفته و شرافتمندانه تعهدات خود را در مبارزه با ارتش فاشیستی اجرا کرده بودند. قراردادهای صلح منعقد در پاریس در فوریه ۱۹۴۷ با بلغارستان، مجارستان و رومانی، مواضع بین المللی این کشورها را تحکیم کرد و شرایط مساعدی برای تأمین استقلال ملی و دموکراسی در آنها فراهم آورد.

اتحاد شوروی که در جنگ متحمل سنگین ترین خسارات انسانی و مادی شد، به برپایی نظام نوین اجتماعی در هشت کشور از طریق اقتصادی فین کمک کرد. در سالهای نخست پس از جنگ، پیوندهای اقتصادی میان این کشورها و اتحاد شوروی عمدتاً در عرصه بازرگانی خارجی بود. محموله های بزرگ سوخت، مواد خام و تجهیزات که از اتحاد شوروی به این کشورها می رفت، دارای اهمیت فراوان بود، از جمله در احیای صنایع لهستان و رومانی، علاوه بر این، در سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷، اتحاد شوروی بارها به یاری دولت های دموکراتیک توده ای شتافت و به ایجاد وسیعی به آنها غله تحویل داد. از این طریق نقشه های ضد انقلابی ارتجاع که بر روی گرسنگی حساب باز کرده بود، نقش بر آب شد.

بازوگانی خارجی میان اتحاد شوروی و این هشت کشور تا حد زیادی بر مبنای وام های شوروی صورت می گرفت: تا پایان ۱۹۵۲، حجم اعتبارات شوروی که به این کشورها اعطا شده بود، به ۱۵ میلیارد روبل رسید. شرایط این وام ها پیاسه بود: یک تا سه درصد بهره سالانه از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ اتحاد شوروی و دولت های دموکراتیک توده ای قراردادهای بازرگانی خارجی امضا کردند. کلمف گوتوالد نخست وزیر چکسلواکی قرارداد بازرگانی ۱۹۴۷ میان اتحاد شوروی و چکسلواکی را چنین توصیف کرده است: "این قرارداد به ما امکان می دهد با شرایط مساعد پرداخت، بخش بزرگی از نیاز صنایع

خود به مواد خام را دریافت داریم و در عین حال، بخش بزرگی از محصولات صنایع سنگین و سبک خود را به فروش برسانیم، امری که ستون فقرات برنامه اقتصادی پنج سال آینده ما را تشکیل می دهد. قرارداد بر مبنای اقتصادی واقع بینانه ای منعقد شده، منطبق بر منافع هر دو کشور و فاقد هرگونه شروط سیاسی است." همچنین باید تأکید کرد که ارتش سرخ، که یک نیروی طبقاتی بود، با حضور خود به برانگیختن زحمتکشان به انجام اقدام انقلابی و ایجاد شرایط مساعد برای موفقیت مبارزه مستقل آنها یاری رساند. صرف حضور اتحاد شوروی نیرومند، تأییدی بر این بود که انقلاب، شدنی است و سوسیالیسم نه یک امر تخیلی، بلکه واقعیت است. شخصیت دولت سوسیالیستی جهان، خود تجارب عملی بسیاری کسب کرده بود که ملل دیگر می توانستند از آن بهره گیرند. احزاب کمونیست و کارگری کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی در فعالیت خلق خود همواره می توانستند روی کمک معنوی و سیاسی اتحاد شوروی حساب کنند. وجوه اساسی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه نوین در اتحاد شوروی تجربه شده بود، اما این خلقها بودند که می بایستی برای حاکم شدن بر سر نوشت خود، راه دگرگونیهای عمیق اجتماعی را در پیش می گرفتند.

اثرات انقلابی کمونیستها

انقلابات دهه چهل نه یکباره مشتعل شدند و نه صرفاً حاصل کار عده ای انقلابیون از چان گذشته بودند. این جنبشهای توده ای، چه در آغاز و چه در جریان پیش رفت خودمبثنی بر آمادگی های ایدئولوژیک، تشکیلاتی و نظامی بودند، به لحاظ استراتژیک و سیاسی بر روی آنها فکرت شده بود و مراحل مختلف حرکت آنها به صورت هدفمند و با برنامه از جانب کمونیستها، که نیروی رهبری کننده این انقلابات بودند، هدایت شد.

احزاب کمونیست و کارگری، در کشورهایی که در آنها این روند انقلابی پیش می رفت، ناگزیر بودند بطور مخفی و در شرایط بسیار سخت فعالیت کنند. صدها هزار از اعضا و کادرهای مجرب آنها در مبارزه قاطع و پیگیر علیه اشغالگران، جان باختند. حزب کمونیست یوگسلاوی، ۵۰۰۰ نفر شهید داد و حزب کمونیست چکسلواکی ۲۵۰۰۰ نفر. کمونیست آلمان از سال ۱۹۴۲ به بعد به دست فاشیستها اعدام شدند، به زندان افکنده شده و یا به اردوگاهها فرستاده شدند. با توجه به این فشارهای صعب، طبیعی بود که در آغاز انقلابات تعداد اعضای احزاب کمونیست هشت کشور مورد بحث چندان بر شمار نباشد، به عنوان نمونه حزب کارگران لهستان حدود ۲۰۰۰ عضو داشت، حزب کمونیست یوگسلاوی ۱۲۰۰۰، حزب کارگران بلغارستان (کمونیست) ۲۵۰۰۰ و حزب کمونیست آلمانی فقط ۷۰۰ تا ۸۰۰.

اما کمونیستها از طریق مقاومت قاطعانه و دلاراته خود در برابر فاشیسم، در برابر اشغالگران و وطن فروشان، موفق شدند نه تنها اتوریته بدست آورده و احترام خلق را برانگیزند، بلکه همچنین توانستند اعتماد توده های وسیع مردم را جلب کنند.



بلغارستان در روزهای از یوغ فاشیسم

شوری و دیگر دولتهای صلح دوست بود. در مرکز توجه این برنامه ها حفظ، گسترش و تقویت اتحاد وسیع و حمتکشان و همه احزاب دموکرات ضد فاشیست به منظور پاساژی اقتصاد ملی، مجازات فاشیستهای بیگانه و بومی و چانیان و مزدوران و کوتاه کردن دست این عده از عرصه های اقتصادی قرار داشت. این برنامه ها همچنین بر روی برپایی ارگانهای دموکراتیک قدرت - قدرتی که ضامن پیش برد سیاست صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی باشد - و نیز تضمین اتحاد عمل کارگران و دیگر و حمتکشان به مثابه شرط ضروری پیش برد موفقیت آمیز انقلاب، تمرکز داشتند. احزاب کمونیست این هدفهای فوری را فرموله کرده و به اطلاع همگان رساندند، حزب کارگران بلغارستان (کمونیست)؛ بر چیدن دستگاه سلطنت و برپایی دولت دموکراتیک خلق - حزب کمونیست مجارستان، براندازی ارتجاع حاکم بر کشور و انجام تحولات دموکراتیک، - حزب کمونیست آلمان، ایجاد یک رژیم ضد فاشیستی و دموکراتیک، یک جمهوری دموکراتیک پارلمانی - حزب کارگران لهستان، آزادی ملی و دستیابی به لهستانی نوین بری، از زمین داران و سرمایه داران بزرگ - حزب کمونیست رومانی، برپایی یک دولت مستقل، ناوابسته، با ثبات و شکوفان - و حزب کمونیست چکسلواکی، آزادی چکسلواکی، پیش برد پیگیرانه انقلاب دموکراتیک ملی و حل ساله ملیتها برپایه حقوق برابر چکها و اسلواکها. کمونیستها برای دستیابی به این اهداف کاملاً به این موضوع آگاهی داشتند که ظرفیت های واقعی، سرعت و اشکال هر یک از انقلابات نه فقط به شرایط ملی نه فقط به عمل طبقه کارگر و توده های خلق، بلکه به میزان زیادی به شرایط بین المللی، به جایگاه دولتهای تازه یا در نظام روابط بین المللی و همچنین به میزان نفوذ اتحاد شوروی و قدرتهای غربی (که آنها نیز جزو ائتلاف ضد هیتلری بودند) در هر کشور وابسته است.

اسناد آن دوره نشان می دهند که اکثر احزاب کمونیست قصد حرکت سریع به سمت سوسیالیسم را نداشتند. کلمنت گوئوالد در کنگره هشتم حزب کمونیست چکسلواکی در مارس ۱۹۴۶ تأکید کرد که در کنار موسسات ملی شده خلقی یک بخش بزرگ اقتصادی خصوصی نیز بر جا خواهد ماند و موسسات خصوصی کوچک و متوسط در نظام اقتصادی نوین جای خود را خواهند داشت. گئورگی دی میتروف از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۴ از حفظ مالکیت خصوصی و تشویق ابتکارات خصوصی برای بهبود اقتصاد کشور سخن می گفت. در یک بیانیه برنامه ای دولت نوین جبهه خلق در بلغارستان که در نوامبر سال ۱۹۴۶ انتشار یافت، حتی پیشنهاد شده بود برخی محدودیت هایی که در بقیه در صحنه بعد

و دیگر نیروهایی که نسبتاً با شعارهای سوسیالیستی می رزمیدند، در جریان مبارزه رهایی بخش این موضوع را نمی پوشاندند که هدف نهایی آنها نجات و حمتکشان از قید غلم و استثمار است. با این وجود، در آن دوره کمونیستها در اغلب کشورها (به استثنای آلبانی و یوگسلاوی، در کشوری که احزاب کمونیست در آنها در بیان جنگ آزادی بخش به محمول داشتن اقدامات سوسیالیستی پرداختند) - هیچ خواسته سوسیالیستی را مطرح نکردند و مبارزه خود را با طرح مستقیم سوسیالیسم پیش نبردند. آنها بر اساس تجربه خود به این نتیجه رسیدند که برپایی یک نظام نوین مستلزم شرایط عینی و ذهنی درخور آن است و توده ها را صرفاً با کمک شعارهای قابل فهم و غلافی که برای انجام آن آمادگی دارند، می توان به سمت خود جلب کرد. از همین رو بود که احزاب کمونیست، در هر کشوری متناسب با وضعیت خود ویژه آن، مجموعه ای از خواسته های متنوع را ارائه می کردند که امید می رفت جبهه وسیع طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات را در پیوند با احزاب و سازمانهای دموکراتیک به سمت خود جلب کنند.

این خط مشی کاملاً در انطباق با استراتژی جبهه خلق بود که با هدف برافکندن فاشیسم از سوء، کنگره هفتم کمینترن ارائه شده بود. در طی جنگ جهانی دوم، سیاست های وحشیانه و ضد بشری فاشیستها امکان اعمال استراتژی تشکیل جبهه های رهایی بخش ضد فاشیستی را فراهم کرد که علاوه بر کارگران و دهقانان، بخش های پرشماری از اقشار میانی، روشنفکران و بورژوازی را که با فاشیسم مصالحه نکرده بودند، در برمی گرفت. به دلیل تفاوت وضعیت و توازن قوا در هر کشور، میزان نفوذ کمونیستها و برنامه های آنها در جبهه های ضد فاشیستی میهنی و ملی متفاوت بود. به عنوان مثال در آلبانی، بلغارستان و یوگسلاوی احزاب کمونیست از همان آغاز به عنوان نیروی رهبری کننده جنبش توده ای ضد فاشیستی به رسمیت شناخته شده بودند. اما در مجارستان، رومانی و لهستان، یعنی آن کشورهایی که سوسیال - دموکراتها (و علاوه بر آنها در مورد لهستان و نیز در چکسلواکی دولت در تبعید) نفوذ وسیعی داشتند، کمونیستها تنها در جریان مبارزه توانستند نقش نیروی رهبری کننده را به صورت مشخص و روشن، به دست آورند.

پایه طبقاتی و آرایش سیاسی جبهه های رهایی بخش ملی تعیین کننده خصلت، برنامه ها و ترکیب نخستین ارگانهای حکومتی پس از دوره فاشیسم بود. نمایندگان احزاب کمونیست در این حکومتها ابتکار طرح مهمترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی - اجتماعی را در دست داشتند.

نخستین برنامه های انقلابات در این تاریخ ها فرموله شدند، برنامه جبهه میهنی بلغارستان در ژوئیه ۱۹۴۲، بیانیه ژوئیه لهستان در ژوئیه ۱۹۴۴، برنامه دهرسن در مجارستان در دسامبر ۱۹۴۴، برنامه دولتی رومانی در ژانویه ۱۹۴۵، برنامه کوشیچ چکسلواکی در آوریل ۱۹۴۵، تصمیمات کنگره پرمات در آلبانی، در ماه مه ۱۹۴۴ و فراخوان حزب کمونیست آلمان در ژوئن ۱۹۴۵.

در هیچ یک از این برنامه ها برای استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و یا گذار به سوسیالیسم فراخوان داده نشده بود. تأکید این برنامه ها بر روی آزادی قطعی و استقرار روابط مودت آمیز با اتحاد

از آنجایی که کاملاً روشن بود آنان پس از رهایی از یوغ فاشیسم نیز پیگیرانه از منافع کارگران، دهقانان و دیگر قشرهای و حمتکش دفاع خواهند کرد، مدام تعداد بیشتری از کارگران و و حمتکشان به صورت چریانی قوی به صفوف آنها می پیوست.

حزب کمونیست مجارستان در ماه مه سال ۱۹۴۵، ۱۵۰۰۰ عضو و در پایان سال ۱۹۴۷، ۸۶۰۰۰ عضو داشت. تعداد اعضای حزب کمونیست چکسلواکی در اوت سال ۱۹۴۵، ۷۱۲۰۰۰ نفر بود. حزب کارگران لهستان در ژوئن ۱۹۴۷، ۸۴۸۰۰۰ نفر عضو، حزب کارگران بلغارستان (کمونیست) حدود ۵۰۰۰۰، در پایان سال ۱۹۴۷ حزب کمونیست رومانی ۸۰۰۰۰ و حزب کمونیست یوگسلاوی ۱۴۶۰۰۰ نفر عضو داشت.

احزاب کمونیست و کارگری در میان مجموعه احزاب، چه موافق و چه مخالف انقلاب، از همه به لحاظ تعداد اعضا پر شمارتر، به لحاظ تشکیلاتی سازمان یافته تر و به لحاظ سیاسی پر نفوذتر بودند. سیاست و تاکتیکهای آنها از یک بنیاد مستحکم مارکسیستی - لنینیستی برخوردار بود. همین امر بود که کمونیستها را در میان شرکت کنندگان در انقلاب، از همه فعالتر و با برنامه تر ساخت. آنها برنامه روشنی داشتند، روند انقلابی را به پیش می بردند و توده ها را سازمان می دادند. آنها در یک کلام در کانون انقلاب، جای داشتند. کمونیستها ریشه های وضع اقتصادی فلاکتباری را که بر برخی از کشورهای غلبه داشت، برملا می کردند، علیه تکرار خطاهای پیش از جنگ (به عنوان نمونه سیاست مونیخ در چکسلواکی) هشدار می دادند، و برای حل مسائل مبرم روز - تأمین مواد غذایی برای توده وسیع مردم، به راه اندازی مجدد کارخانه ها و مزارع، زدایش بقایای فاشیسم و دوره اشغال و اثرات باقی مانده از رژیمهای مؤدور - برنامه ارائه می کردند.

دستاوردهای تاریخی کمونیستها این است که آنان شکل سیاسی و اقتصاد پیوندهای را برای تأمین خواسته ها و منافع طبقه کارگر و همه توده های و حمتکش ارائه کردند و نشان دادند که این خواسته ها می توانند در واقعیت ترجمان یابند. آنان نیروهای اجتماعی لازم برای تحقق آن خواسته ها را سازمان دادند و فرایند عظیم تحولات اجتماعی و سیاسی را رهبری کردند.

اما نفوذ عظیم کمونیستها، فعالیت و هدفمندی مبارزات آنها بدین معنی نبود که آنها از همان آغاز انقلابات انجام و تالیف سوسیالیستی را در برابر خود نهادند، مبارزات خود را با شعارهای پیش بردند و به این مبارزات خصلت سوسیالیستی دادند. برعکس، تجربه مبارزه طبقاتی در دوره بین انقلاب اکتبر و جنگ جهانی دوم، بویژه در سهای انقلابات ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ در اروپا، تاریخ ۲۴ ساله کمینترن و نیز واقعیت قدرت گیری فاشیسم و تجربه مبارزه علیه آن - تجربه ای که به قیمت دادن قربانی به دست آمد - همگی با واقعیت وجودی سرخخانه خود کمونیستها را واداشتند به این نتیجه دست یابند که زندگی اجتماعی واقعی و مبارزه طبقات بسیار پیش از آنکه بر اساس فرموله کردن هدفها و نیات خیر تحول یابند، تحولشان منوط به توازن قوای اجتماعی و سیاسی و روئین واقعی احزاب و جنبشهای اجتماعی در میان توده ها است.

البته کمونیستها، سوسیال - دموکراتهای چپ

انقلابات اجتماعی...

بقیه از صفحه قبل

دوره پس از قیام ۹ سپتامبر ۱۹۴۴ به خاطر دفاع از دستاوردهای دموکراتیک خلق بر روی بخش خصوصی اعمال شده بود، از میان برداشته شود. حزب سوسیالیست متحده آلمان در سال ۱۹۴۶ بیانیه ویژه‌ای در رابطه با برگزاری همه‌پرسی به منظور ملی کردن موسسات متعلق به نازی‌های فعال و جناحیت‌کاران جنگی صادر کرد که در آن گفته شده بود این اقدامات شامل حال اموال شخصی شهروندان و یا مالکیت خصوصی در زمینه تولید نخواهد شد.

در سال ۱۹۴۸ بعد از ملی کردن صنایع در لهستان هنوز ۱۲۰۰۰ موزه سرمایه‌دارانه و در آلمان شرقی ۶۲۰۰۰ موزه از این نوع، موجود بود. در آن هنگام در لهستان ۱۰ درصد، در چکسلواکی ۱۵ درصد و در آلمان شرقی ۲۹ درصد تولیدات صنعتی به بخش خصوصی تعلق داشت.

رهبران احزاب کمونیست و کارگری به منظور مقابله با عوام‌فریبی‌های سوسیالیست‌های دست راستی و دروغ‌پردازی‌های بورژوازی، مدام تأکید می‌کردند که قصد ندارند یک دولت نوع شوروی برپا کنند و کشور را به یک جمهوری شوروی تبدیل سازند. بر اساس یک اصل شناخته شده مارکسیستی کشورها و خلقها نمی‌توانند از طریق صرفاً یک راه و بر مبنای یک کلیشه به سمت سوسیالیسم حرکت کنند. همه احزاب کمونیست با آگاهی بر این اصل می‌کوشیدند عزیمتگاهشان شرایط مشخص، همبستگی نیروهای اجتماعی و خلق و خواسته‌ها و آرزوهای خلق در هر کشور باشد. کمونیست‌ها کاملاً موفق شدند از فرصت تاریخی به دست آمده و شرایط مساعد بین‌المللی برای پیش تازاندن انقلاب بهره گیرند. دقیقاً این وظیفه است که آنان آن‌را پس از آن برآمدند.

گتورکی دبیرتروف در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ بارها تأکید کرد که دموکراسی خلق یک حکومت نوع شوروی نیست و شرایط مبارزه برای سوسیالیسم در کشورهای اروپایی با شرایط موجود در روسیه تزاری در سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ متفاوت است. او می‌گفت آنگاه که بلغارستان بخواهد به سمت سوسیالیسم پیشروی کند، سوسیالیسم را به نیروی تمام خلق برپا خواهد کرد. هنگامی که در سال ۱۹۴۶ حزب سوسیالیست متحده آلمان تشکیل شد، کمونیست‌های آلمان تأکید ویژه‌ای بر این امر کردند که حزب تازه "به قضایای بنیادی مارکسیسم نه به مثابه جزئیات و یک آیین خشک، بلکه به مثابه آن چیزی که قابل انطباق بر شرایط ویژه آلمان و شیوه آلمانی تحول است، می‌نگرد." کلمنت گوتوالد در تابستان ۱۹۴۵ گفت: "مادر جمهوری خودمان راه ویژه‌ای از تحول را طی می‌کنیم که با هیچ کلیشه‌ای نمی‌خواند، ما ازدل این راه باید شیوه‌ها، روش‌ها و سیاست چکی و اسلواکی خودمان را پیدا کنیم."

منطق تحول انقلابی و بورژوازی تغییرات در اوضاع و مهمتر از همه فعالیت‌های نیروهای مترجه بورژوازی و جو "جنگ سرد" که به توسط امپریالیسم آمریکایی پدید آمده بود، و نیز برخی فرایندها در درون اردوگاه سوسیالیستی، ایجاب کرد که اقدامات رادیکالتری با خصلت سوسیالیستی صورت گیرد و گذار به سوسیالیسم تسریع شود.

حزب کمونیست یوگسلاوی در ملی جنت

رهایی بخش ملی به این اقدامات انقلابی دست یازیده بود. حزب کمونیست آلبانی از فوریه ۱۹۴۶ انقلاب سوسیالیستی را در مد نظر داشت. حزب کمونیست مجارستان (همراه با حزب سوسیال دموکرات) تبلیغ ایده‌های سوسیالیستی را از ماه مه ۱۹۴۶ به بعد در دستور کار قرار داد. در همان سال بود که حزب کارگران لهستان راه لهستانی گذار به سوسیالیسم را فرموله کرد. احزاب کمونیست بلغارستان و چکسلواکی از پایان سال ۱۹۴۷ و آغاز سال ۱۹۴۸ به بعد از گذار به سوسیالیسم سخن گفتند.

این کشورها از سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ برنامه‌ریزی اقتصاد ملی را در دستور کار قرار دادند. بازسازی اقتصاد ملی در شکل عام خود در چارچوب برنامه‌های اولیه یک ساله و دو ساله پیش رفت. بسیاری از این کشورها با طرح نخستین برنامه‌های پنج ساله در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰، شروع به ساختمان متوازن پایه‌های سوسیالیسم کردند. در جمهوری دموکراتیک آلمان گذار به سوسیالیسم در سال ۱۹۵۲ اعلام شد.

برقراری اتحاد ایدئولوژیک و تشکیلاتی بین طبقه کارگر و جنبش طبقه کارگر یک شرط مهم برای پیشرفت ساختمان سوسیالیسم بود.

در آوریل ۱۹۴۶، پس از یک سال تدارک سیاسی - ایدئولوژیک با استحکام و توأم با اتحاد عمل، ۶۸۰۰۰ سوسیال دموکرات و ۶۲۰۰۰ کمونیست در آلمان شرقی متحد شدند و حزب سوسیالیست متحده آلمان (ا.س.ا.د.) را بنیاد گذاشتند. در سال ۱۹۴۸، احزاب متحده کارگر، در بسیاری از دیگر کشورها، که در آنها انقلاب در جریان بوده، تشکیل شد. در ماه فوریه احزاب کمونیست و سوسیال دموکرات در رومانی در حزب کارگران رومانی متحد شدند. در ماه اوت حزب کارگران بلغارستان (کمونیست) و حزب سوسیال دموکرات بلغارستان در حزب کمونیست بلغارستان بهم گرویدند. در نیمه ژوئن، حزب کمونیست مجارستان و حزب سوسیال دموکرات، حزب زحمتکش مجارستان را پدید آوردند. در پایان ماه ژوئن وحدت سوسیال دموکرات‌های چکسلواکی با حزب کمونیست به سرانجام رسید. در ماه دسامبر همان سال حزب کارگران لهستان و حزب سوسیالیست، حزب متحده کارگران لهستان را بنیاد گذاشتند.

این روندها بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم پیش رفت و بلوغ عامل فنی در انقلاب و فرایند تبدیل احزاب برادر به نیروی راستین پیش برنده و هدایت‌کننده جامعه را، که توانایی انجام وظایف به راستی مشکل گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را داشت. شدت بخشید.

در بر تو مپارزه طبقاتی

انقلابات آلبانی، بلغارستان، چکسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان، مجارستان، لهستان، رومانی و یوگسلاوی، برخلاف آنچه که ایدئولوژیهای بورژوازی ادعا می‌کنند، انقلابات عده‌ای که در اقلیت باشند نبود. این انقلابات به راستی انقلاباتی دموکراتیک بودند، نخست این که مشخصه آنها شرکت توده‌ای همه طبقات و اقشار جامعه بود. دوم این که همه تصمیمات بنیادین انقلابی در جریان مبارزه توده‌ای از طریق شیوه‌های

دموکراتیک پارلمانی و یا خارج از پارلمان گرفته شدند و سوم این که این انقلابات به توسط شیوه‌های دموکراتیک معمول در آنها، تشخص می‌یابند.

انقلابات در شرایط پاک و پاکیزه اجتماعی و محققان رجوعی ملو از نیات خیر انکشاف نمی‌یابند. آنها از طریق مبارزات حاد، و تخصیصات ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و بعضاً نظامی بین طبقات، راه خود را به جلو می‌کشایند. تنها از طریق برخورد بین نظریات، دیدگاههای استراتژیک و برنام‌های سیاسی، برخوردی که در انقلابات اجتناب ناپذیرند، احزاب و جنبش‌های اجتماعی توده‌ها را به سمت خود جلب و راه را برای قدرتیابی هموار می‌کنند. بر مبارزه طبقاتی تعیین کرابی مکانیکی حاکم نیست. تأکید بر این امر که فرایند انقلاب قانونمند و با ژنراتور دهنده سیر پیشرفت اجتماعی است، بدین معنی نیست که نقش تصادف، نقش عامل ذهنی و نقش افراد نادیده گرفته شود. از این دیدگاه هر انقلابی در برگیرنده طیف وسیعی از آلترناتیوهاست و این امر که کدام یک در واقعیت ترجمان بیاید پیش از همه بستگی به آن نیروهای دارد که انقلاب را رهبری می‌کنند.

در همه این انقلابات، کمونیستها بدون شک نیرویی بودند که آلترناتیو را تعیین کردند. آیا این بدان معنی است که آنها از آغاز مواضع کلیدی را تسخیر کرده بودند؟ نه، آنها در چنین موضعی نبودند. احزاب کمونیست در همه حکومت‌های موقت در اقلیت قرار داشتند. از ۱۶ وزیر نخستین حکومت چپه میهنی در بلغارستان در سپتامبر سال ۱۹۴۴ فقط چهار نفرشان کمونیست بود. نخستین حکومت چکسلواکی در کوسپیچ ۹ کمونیست و ۱۲ عضو احزاب دیگر و چهار وزیر بدون تعلق حزبی تشکیل شده بود. در نخستین حکومت مجارستان در دبرسن نسبت وزرای کمونیست به غیر کمونیست سه به هفت، در دولت یوگسلاوی که در مارس ۱۹۴۵ تشکیل شد به ۲۰ و در حکومت موقت وحدت ملی تجدید سازمان یافته در لهستان در ژوئن ۱۹۴۵، ۷ به ۱۴ بود. نخستین دولت رومانی که بعد از قیام اوت برپا شد، حتی دارای خصلت بورژوازی بزرگ بود. تنها به حکومت چهارم که در مارس ۱۹۴۵ تحت ریاست پترو گروزا برپا شد، می‌توان به چشم یک حکومت مردمی نگریست. در این حکومت ۱۲ عضو چپه دموکراتیک ملی که چهار نفرشان کمونیست بود و پنج عضو حزب لیبرال ملی، شرکت داشتند. در دوره نخست حتی پست‌های ریاست شورای وزیران در بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، لهستان و رومانی در اشغال غیر کمونیست‌ها بود. در چکسلواکی برزیدنت بش یک سیاستمدار بورژوازی بود و در مجارستان برزیدنت ولتان تیلدی منافع دهقانان و خرده بورژوازی شهری را نمایندگی می‌کرد.

این نحوه آرایش بالاترین ارگانهای قدرت اغلب متعکس‌کننده توازن واقعی قوا، میزان نفوذ در میان مردم و ظرفیت‌های انقلابی احزاب و سیاستمداران مختلف نبود. این امر به ویژه در مورد لهستان و یوگسلاوی صدق می‌کرد که در آنها نمایندگان دولت در تبعید تحت فشار انگلستان و آمریکا در حکومت جای داده شده بودند. همه حکومت‌های انقلابی موقت متکی بر اتحاد وسیعی از نیروهای طبقاتی بوده و بر پایه چپه‌های

رژم کارگران فولاد در آلمان فدرال



کارگران بخشهای دیگر شرکت می‌جویند و با آنان اظهار همبستگی می‌کنند.

در عکس کارگران فولاد تابوتی را به نشانه مرگ اشتغال در صنایع فولاد بر روی دست گرفته‌اند. بر روی این تابوت خطاب به پانگمن وزیر اقتصاد آلمان فدرال گفته شده است: ما بسیاریم!

کمونیست‌ها هم مجازند
به آمریکا سفر کنند

در زمان اشاعه هysterی ضد کمونیستی دوران مک کارتیسم قانونی در آمریکا به تصویب رسید که بر مبنای آن به کمونیست‌ها روایید مسافرت به آمریکا داده نمی‌شد. این قانون حکم رسوایی دعاری حقوق بشر در آمریکا را داشت و صرفاً شامل حال فعالین سیاسی کمونیست نبود. چه بسیار بودند نویسندگان و مترجمانی که این قانون مانع مسافرتشان به آمریکا بود. از آن جمله‌اند: کاپریل کارسیا مارکز، گرامس گرین و چارلی چاپلین.

اکنون کنگره آمریکا بر آن سر است که قانون فضاحت بار مذکور را تغییر دهد. البته هنوز معلوم نیست تبصره‌های دیگری به جای آن نشانداده شود.

تعاونی‌ها در اتحاد شوروی

تنها در شهر مسکو تا آغاز ماه ژانویه تشکیل ۷۰۰ تعاونی تازه به ثبت رسیده است. از این تعداد ۲۰۰ تعاونی در زمینه خدمات فعالیت خواهند داشت. بنابر گزارشهای رسمی از ماه مه سال گذشته تاکنون ۸۰۰۰ موسسه تعاونی در اتحاد شوروی شکل گرفته‌اند که جمع کارکنان آنها ۸۸۰۰ نفر است.

بخر اپکاری و ترور در موزامبیک

در آنکولا و موزامبیک، باندهای ضد انقلابی تحت حمایت مستقیم آفریقای جنوبی فعالیتهای تروریستی خود را شدت بخشیده‌اند. در هفته‌های جاری گروه‌های ضد انقلابی در موزامبیک در مورد به قطارهای مسافربری حمله بردند. در یک مورد مین‌گذاری در مسیر قطاری که ۱۵۰۰ مسافر داشت؛ ۴۹ نفر کشته و تعداد کثیری زخمی شدند.

مبارزه کارگران فولاد در منطقه رور علیه اخراج و بیکاری، خبر روز در آلمان فدرال است. انحصار کربن بر آن است که ۵۲۰۰ کارگر را اخراج کند. موضوع در این حد باقی نمی‌ماند و این خطر جدی است که در زمینه صنایع فولاد کارگران بیشتر، از کار بیکار شوند. کارگران تقریباً هر روزه دست به تظاهرات می‌زنند. در گردهمایی‌های آنها نمایندگان

سفر هونکر به فرانسه

در هفته گذشته اربش هونکر رئیس دولت آلمان دمکراتیک و دبیرکل حزب سوسیالیست متحده آلمان به پاریس سفر کرد. این نخستین باری است که یک رئیس دولت آلمان دمکراتیک به یکی از سه کشور غربی نیروی متفقین سفر می‌کند. ناظرین برای این سفر اهمیت فراوانی قایلند. با این سفر راه برای همکاری مسالمت آمیز در اروپا هموارتر شده و آلمان دمکراتیک نقش فعالتری در سیاست اروپا ایفا می‌کند.

شکجه و آزار کودکان

سازمان عفو بین‌الملل گزارشی انتشار داده که به تشریح موارد شکنجه و آزار و کشتار کودکان در ۱۸ کشور جهان اختصاص دارد. در این گزارش بر روی موارد متعددی از شکنجه کودکان افشاکری شده است. ایالات متحده آمریکا نیز در زمره آن ۱۸ کشوری است که به گزارش عفو بین‌الملل بیشترین موارد آزار کودکان در آنها مشاهده شده است.

می‌مانست، با واقعیت سیاسی آن دوره انطباق داشت و در اساس الگوهای موجود نیروهای طبقاتی در هر کشور را بازنتاب می‌داد. علاوه بر کارگران، دهقانان و روشنفکران دمکرات، اعضای گروه‌های ضدفاشیستی بورژوازی نیز در این حکومتها نماینده داشتند و طبیعتاً می‌کوشیدند انقلاب را به یک مسیر بورژوازی سوق دهند و هر چه سریعتر بر آن غلبه کنند. طرفداران مارتی در حکومت موقت مجارستان و وزیرای بورژوازی در حکومت‌های لهستان و چکسلواکی مجبور شدند زیر فشار حوادث و حرکت توده‌ها وزیربرنامه ضد فاشیستی و دمکراتیک را امضا کنند.

(بقیه در شماره آینده)

شواردناده: امکان خروج نیروهای
شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۸

ادوارد شواردناده وزیر خارجه اتحاد شوروی پس از پایان سفرش به کابل در هفته گذشته در مصاحبه با خبرنگاری افغانی باختر اعلام کرد که امکان خروج نیروهای شوروی از افغانستان در سال جاری، میلادی فراهم است. وی گفت آمریکا پذیرفته است که در چنین حالتی از کمک تسلیحاتی به ضدانقلابیون و دخالت در امور داخلی افغانستان خودداری کند.

ادوارد شواردناده از کنفرانس ژنو که در آغاز ماه فوریه برگزار خواهد شد با خوش بینی یاد کرد و گفت امکان دارد در این کنفرانس مذاکرات بین افغانستان و پاکستان به سرانجام برسد. پس از نتیجه بخشی این کنفرانس امکان خروج نیروها از افغانستان فراهم خواهد شد. در این حالت آمریکا و شوروی هر دو ضامن قرارداد منعقد در این کنفرانس خواهند بود. روز پس از انعقاد قرارداد، نیروهای شوروی شروع به خروج از افغانستان خواهند کرد. شواردناده در مصاحبه خود تأکید کرد نیروهای اتحاد شوروی که "وظیفه خود را به انجام رسانده‌اند، در صورت قطع مداخلات خارجی، خاک افغانستان را ترک خواهند کرد."

حزب کمونیست شیلی، فراخوان تحریم

حزب کمونیست شیلی به مناسبت شصت و ششمین سال بنیانگذاری خود بیانیه‌ای انتشار داد که در آن مردم شیلی فراخوانده شده‌اند تا رفتارندوم ایقایی پینوشه را تحریم کنند. در این بیانیه بر رژیم متحده‌انه به منظور سرنگونی پینوشه تأکید شده است.

همچنین به مناسبت سالگرد تشکیل حزب کمونیست از سوی یکی از سخنگویان حزب، یک کنفرانس مطبوعاتی در سانتیاگو پایتخت شیلی برگزار شد. در این کنفرانس گفته شد حزب کمونیست برای سرنگونی پینوشه آمادگی همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ضد دیکتاتور را دارد و بر این تأکید دارد که دیکتاتور از همه اشکال مبارزه، بهره می‌جوید.

به مناسبت سالگرد تشکیل حزب کمونیست، یک تظاهرات توده‌ای در سانتیاگو برپا شد. پلیس به شکل وحشیانه‌ای به تظاهرکنندگان حمله برد. ۱۵ نفر زخمی و ۲۰ نفر دستگیر شدند. در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین نیز چشنی به مناسبت سالگرد تشکیل حزب کمونیست شیلی برپا شد که حکم همایش احزاب ترقی خواه شیلی را یافت.

میهنی (ملی) که در طی مبارزه‌های پخش تشکیل شده بود، شکل گرفته بودند. این چپ‌ها به لحاظ سیاسی چندین حزب از جمله احزاب تپییک پرور وایی را در خود گردآورده بود.

در یوگسلاوی و بلغارستان پنج حزب، در لهستان چهار حزب، در چکسلواکی شش حزب، در مجارستان چهار حزب (علاوه بر طرفداران منفرد هارتی در نقش وزرای "غیر حزبی")، در رومانی پنج حزب و در جمهوری دمکراتیک آلمان در آغاز چهار و بعداً سه و پنج حزب در حکومت شرکت داشتند.

آرایش نیروهای اجتماعی و حزبی و سیاسی در حکومت، که به آرایش قوا در عرصه شطرنج

زنده است نامت همواره در میان خلق

توانست در شرایطی که چشم روز به روز زنجورتر می‌گشت، شبکه تحت مسئولیتش را از گزند مأمورین رژیم حفظ کند.

بسیاری از مردم سنج در فقدان فرزند قهرمان خویش به تلخی گریستند و با حضور گسترده در مراسم بخاک سپاری رفیق چشید حوری چانی یاد و راهش را پاس داشتند. پیشکام، نشریه سازمان جوانان پیشکام ایران در شماره ۲۰ خود در سوگ رفیق چشید حوری چانی نوشت:

"سازمان جوانان پیشکام در کردستان قهرمان همواره رفقای ارزشمندی را در صفوف خویش داشته است که به حق می‌تواند از قهرمانی‌ها و زندگی سرشارشان برخوردار باشد. رفقا "فادرایاوی" و "چشید دیندار" که از فرزندان دلیر خلق کرد و از افتخارات سازمان ما بودند، در سال ۵۹ در نبرد با رژیم ضد مردمی خمینی جان باختند و اکنون نیز در سوگ رفیق دیگری فشرده ایم که در کنار این عزیزان از پیانیان سازمان جوانان پیشکام در کردستان بود. تردید نداریم که راه و آرمان انقلابی این رفقا را، یاران وفادارشان در کردستان و سراسر میهنمان سرفرازانه ادامه خواهند داد."

یاد و خاطره فدائی خلق، چشید حوری چانی برای همیشه در قلب هر زمان و خلق قهرمانش زنده و جاوید خواهد ماند.

اطلاع یافتیم که رفیق چشید حوری چانی از پیانیان سازمان جوانان پیشکام ایران در کردستان و عضو برجسته سازمان فداییان خلق ایران، بر اثر بیماری سرطان استخوان در گذشته است. رفیق چشید تا آخرین لحظات حیات و علیرغم آنکه بیماری تمام توش و توانش را رها کرده بود و می‌توانست تلاش برای هدایت واحد مخفی تحت مسئولیتش و حفظ آن از گزند مزدوران رژیم، نیاورد.

رفیق چشید حوری چانی در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای زحمتکش دیده به جهان گشود. شخصیت مبارزاتی وی با مبارزه در صفوف سازمان جوانان پیشکام ایران در اوان انقلاب، در روزهای مقاومت مسلحانه مردم سنج، در نبردهای جمهوری اسلامی و پس از آن فعالیت تشکیلاتی مخفی در شهر قوام یافت و فرزند وجودش آبدیده گشت. شجاعت و فداکاری بی‌نظیر، قدرت تاثیرگذاری عمیق بر اطرافیان و شخصیت قوی توده‌ای خصلتی بودند که رفیق چشید را در انجام وظایف خطیری که در سازماندهی تشکیلات مخفی سازمان در کردستان بر عهده گرفته بود با موفقیت قریب ساختند. تلاش‌های همه جانبه رفیق چشید، نقشه‌های چنانکارانه سرکوبگران رژیم خمینی را در زهره زدن در جریان یورش‌های تابستان گذشته به صفوف فدائیان خلق بی‌اثر ساخت و وی

اراده خلق فلسطین خلل ناپذیر است



کسانی را به عنوان کشته قبول دارد که در یک بیمارستان اسرائیلی جان سپارند! مردن در خیابان، در بیمارستانهای عربی و بیمارستانهای تحت پوشش سازمان مال رسمیت ندارد. مزدوران اسرائیلی برای سرکوب تظاهرکنندگان به استفاده از گاز افساس نیز رو آورده‌اند. بر اثر تنفس این گاز یک دختر ۱۶ ساله فلسطینی در اردن غربی کشته شده است.

اسرائیل بر آن است که ۹ نفر فلسطینی را از کشور اخراج کند. دلیل اخراج این عده را، که واکنش شدید افکار عمومی جهان را برانگیخت، بردفاری از سازمانهای فلسطینی اعلام کرده‌اند.

در هفته گذشته شورای امنیت بار دیگر وحشی‌گری‌های رژیم اسرائیل را محکوم کرد و خواهان خودداری از اخراج ۹ نفر فلسطینی شد. این بار آمریکا نیز ناکزیر شد به قطعنامه تقبیح اسرائیل رای مثبت دهد.

اردن غربی-عسکی تکان دهنده، مادری کودک کریانش را از چنگال سربازان اسرائیلی بدر آورده و او را تنگ در آغوش گرفته است تا دستگیرش نازند و به زندانش نیفکنند. این روزها در جای جای فلسطین اشغال شده چنین صحنه‌هایی به چشم می‌خورد. تظاهرات فلسطینی‌ها در مناطق تحت اشغال ادامه دارد و کاربست انواع و اقسام تیره‌های سرکوب از جانب مزدوران اسرائیلی، قادر نیست در اراده خلق، خللی وارد سازد. از ۸ دسامبر تا اواسط هفته گذشته ۶۶ نفر فلسطینی در اثر شلیک گلوله از سوی صهیونیست‌ها کشته شده و ۶۰۰ نفر زخمی شده بودند. ۶۷۰۰ نفر دستگیر شده‌اند.

در روز جمعه هفته گذشته درگیری‌های شدیدی بین تظاهرکنندگان و مزدوران اسرائیلی در اطراف اردوگاههای فلسطینی در نوار غزه به وقوع پیوست. بر اثر حمله مزدوران یک نوجوان ۱۶ ساله کشته شد. اسرائیل اعلام کرده است تنها

کمک‌های مالی رسیده

کیوان از دنا مارک ۲۱۰۰۰۰

سید از لوس آنجلس برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۴۰ دلار

کمک مالی به واحدهای فدایی داخل کشور

۴۶۵ دلار

۴۰۰ مارک

میانسه آمریکا

کارکنان نشریه اکثریت

AKSARIYAT
NO. 190

MONDAY, 11 JAN. 88

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

منتشر شد

از سوی انتشارات سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
کتاب "استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست در کشورهای رشد متوسط سرمایه‌داری" منتشر شد. این کتاب، بخش مهم از مجموعه "تئوری و تاکتیک جفیش بین‌المللی کمونیستی است که ۱۲ بخش را شامل می‌شود. " استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست در کشورهای رشد متوسط سرمایه‌داری"، بخش مهم این مجموعه، به دلیل میرمیت آن زودتر در دستور انتشار و عرضه به خوانندگان قرار گرفت. این کتاب توسط کوکوش کین



استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست
در کشورهای رشد متوسط سرمایه‌داری

و سفوف از استیتو علوم اجتماعی نگاشته شده و توسط انتشارات پروکرس در سال ۱۹۸۵ منتشر گشته است.